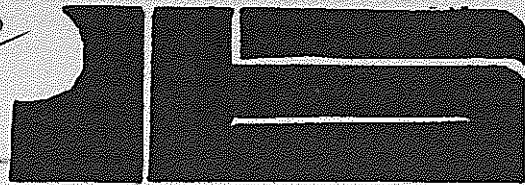


ناپود باد امپریالیسم جهانی  
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا  
وبایگاه داخلیش



کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

از عنان پریکیای فدائی خلق ایران

# مجلس خبرگان و کشاکش قدرت

کشاکش بین جناحهای مختلف رژیم، اینبار بر سر کسب مقام رهبری، تکاپوی ویژه ای برادر رون هیئت حاکمه سبب گشته بود عوا بر سر مجلس خبرگان، میزان ضرورت، ترکیب و اختیارات آن نتیجه تیمی تضاد های این جناحها با یکدیگر است. تضاد نه بر سر درستی یا ناپستی رکوب کارگران و زحمتکشان بلکه در چگونگی مرعوب ساختن توده ها و اعمال این سرکوب و بخاطر خدمت به منافع سرمایه داران.

غالبه خبرگان هم آن هنگام بالا میگرد که طبعی هم شمارهای پوچ و عوام فریبانه هر چی سردمداران رژیم در زمینه طول عمر خمینی، آنهم تنها انقلاب مهدی، یا آنها خود در پافتناند کمبارک خمینی خلا عظیمی در قدرت رژیم رخ خواهد نمود. آخرین بقایای توهم به امام امت، اکنون در زهد هیئت انتشار قلبی از نا آگاهترین عقب ماندترین توده ها وجود دارد نیز همراهم خمینی در فن خواهد بقیه در صفحه ۱۸

## پیش نویس

## قانون ارتجاعی کار آئینه تمام نمای رژیم

در کنار پیشبرد سیاست حل سرمایه در ایران نهنگاری، سیاست دعوت از سرمایه داران فراری و ماندن در داخل کشور، سیاست وعده تضمین امنیت سرمایه، تدوین و تصویب لوایح مدافع نظم موجود، چون لایحه حد وک و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی، همراه با قرارداد های متعدد اقتصادی با کشورهای مختلف امپریالیستی، تمام اینها به بودجه ای گداسی آنرا در آمد حاصل از فروش نفت و مالیاتها تشکیل میدهد، و در برآیند آن اخراج، بقیه در صفحه ۵

## ترازنامه ورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی در تمام عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با ورشکستگی مطلق روبرو شده است. کند پدگی و صادر صرفات پای رژیم را فرا گرفتار است. اضمحلال و فروپاشی مداوم آشکارتر میگردد. از هم گسیختگی و فلاکت اقتصادی در بیکر صورت امری مسلم در آمده است. ترور رژیم ایران رژیم، ورشکستگی و بی اعتباری سیاسی و اخلاقی آن راهبه هینفا آشکار نمود است. تمام سیاستهای رژیم جز فاجعه شماری نداشتند است و در نتیجه تمام این سیاستها، جامعه مسوی بر برهت قرون وسطائی سوق داده شده است.

اکنون در بگرضار، اضمحلال، از هم گسیختگی و وخامت اوضاع هر حلقه ای رسید است که حتی زمامداران رژیم جمهوری اسلامی و پاد و ههای حلقه های آن نمیتوانند از اعتراف به وخامت اوضاع سر باز زنند. نخست وزیر جمهوری اسلامی ترازنامه ورشکستگی بقیه در صفحه ۲

### در این شماره

خطاب به مبلغین (۷) در صفحه ۱۱

اخبار کوتاه کارگری در صفحه ۳

# اعتصاب سلاح پرولتاریاست

مراحل خاصی از رشد مبارزات شکل میگیرند و گاه محدود به کسب خواسته های اقتصادی هستند، گاه خواسته های اقتصادی و سیاسی را توأم می میکنند و تحت شرایطی به اعتصابات سیاسی فرامی رویند. و اینکه خود اعتصابات سیاسی بهنگامی که جنبه سراسری و بقیه در صفحه ۴

تاکنون طی سه شماره از نشریه (۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۹) ضمن بررسی پروسه شکل گیری و تحقق اعتصاب عمومی سیاسی در جریان طوفانهای انقلابی سالهای ۵۷ و ۵۸، تا حد ویدی به بحث مختلفی که در ارتباط با اعتصاب مطرح میباشند، آشنا شدیم. اینکه اعتصابات در

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم



بکساله اش را به پستازار عرضه میکنند و علمبرفم تمام تلاشهایش را کمیکار میبرد تا بر نایبها مانی رقت بار اوضاع اقتصاد و سیاسی سرپوش بگذارد نمیتواند در لای کالی کوئینها و ارقام و آماد دست و پا شکسته ، از اقراراف باین واقعیت سر باز زند که هیچ بهبودی در اوضاع صورت نگرفته است ، کرد اندگان روزنامه دولتی کیهان بصراحت از نایبها مانی اوضاع سخن میگویند اما مسئول تصنام نایبها مانی و انحطاط راد ولست موسوی صفری میکنند و حقوقی و حسی از ضرورت تغییران سخن میگویند . مسئولین سیستم مالی و اعتباری از هم گسیخته و لت هر روز در مصاحبهها مطبوعاتی شرکت میکنند تا بصر و مو محافظ بین الطلی اطمینان دهند که وضع آنقدر زهم گتصور میشود ، نومید گتند تنبیت اما هر انسان اندک مطلق بخوبی میداند که بحیران اقتصاد میمدام ژرف تر و ژرف تر شده است . رکود در صنایع همچنان پیا پیا جاست . کشاورزی با وضعیت اسف باری و بروت و میزان محصولات مدام کاهش می یابد . ارزش پول ایران آنچنان سقوط کرده است که یک کسی پیشیزی برای آن اعتبار قابل نیست . دولت با خزانههای تهی دست بتاراج پشتوانه های ارزیزی زده است . حتی آفلاس و ور شکستگی آن بحد یرسیده است که برای بدست آوردن حداقل دولت با خزانه های تهی روبرو است . دست بتاراج پشتوانه های ارزیزی زده است . حتی آفلاس و ور شکستگی آن به حد یرسیده است که برای بدست آوردن حداقل ارز مسمار ارزان تراز نرخ رسمی آن در اختیار انحصارات اصربالستی قرار میدهد . کمبود کالاها ما بحتجاج روزمر مردم در بگرنیاز به گفتن ندارد . صف های طولانی که در خیابانها برای بدست آوردن گوشت ، شیر ، تخم مرغ ، نان و غیره بسته شد ما دست خود کوپا ترین دلیل صغله است . افزایش سرسام آور قیمت ها بحدی رسیده است که کمکم محاسبه درصد افزایش آن دشوار میشود و کار بجائی کشیده است که حتی روزنامه دولتی اطلاعات را نیز به اعتراض وارد اشتها است . این روزنامه خطهای از نخست وزیر جمهوری اسلامی نقل میکند . مبنی بر اینکه ما میدانیم که بعضی از کالاها را چهار برابر یا بیشتر در سطح در سطح جامعه میفروشند و سپس خود اضافه میکنند که در مورد برخی اجناس در صد افزایش قیمتها ۱۰۰ درصد است . (اطلاعات ۲۲ آبان)

### ترازنامه

بقیه از صفحه ۱

همین روزنامه تصور یاز افزایش قیمتها طی یکسال گذشته ما را نشه میدهد که راستی در نایبها مانی سابقه است . در این مقاله برای نمونه افزایش رسمی نرخ کالاها چنین ذکر شد ما دست . در سال ۶۰ قیمت هر کیلوحدس بین ۴ تا ۱۵۰ ریال بود ، در حالیکهدر سال ۶۱ ۲۱ تا ۲۵۰ ریال افزایش یافته است یعنی بیش از صد درصد افزایش داشته است ، لوبیا از ۱۵۰ ریال به ۳۴۰ ریال یعنی ۱۳۰ درصد و اسکاچ . اربانی به ۳۰۰ ریال یعنی بصد برابر افزایش یافته است . اما همه میداند که اساسا کالاها بنرخ تعیین شده دولتی یا نرخ رسمی آن بفروش میبرسد و نیز همگاه اندک گت فساد و بید و بستهای که در رون هشت حاکم وجود دارد باعث میگرد که تمام اجناس از طریق واسطه ها و لالان دولتی وارد بازار شد و بوقیمتهائی چند برابر قیمت رسمی آن بفروش میبرسد و تود مردم مجبورند اکثر ما بحتجاج خود را در بازار آزاد و قیمتتهائی بسیار گران تهیه کنند روزنامه اطلاعات مینویسد :  
روغن نباتی کیلوئی ۶۵ ریال ۶۰۰  
ریال یعنی ۹ برابر بفروش میبرسد .  
گره کیلوئی ۳۰۰ ریال قیمت ۸۰۰  
ریال ، شکر کیلوئی ۲۴ ریال ۲۵۰-  
ریال ، بیش از د برابر ، قند کیلوئی  
۲۹ ریال به ۲۵۰ تا ۲۸۰ ریال  
صابون ۲ ریالی ۵۰ (ریال و ۰۰۰)  
بفروش میبرسد . این تازه قیمتتهائی است که روزنامه اطلاعات ارائه میدهد و حال آنکه همه میداند ، قیمتتهائی برخی از کالاها بسیار گرانتر از قیمتتهائی است که روزنامه اطلاعات ارائه داده است . آنچه که گفته شد ، خلاصه ای است از وضعیت اقتصادی رژیم . روشن است که ما را این بحیران مستقیم بردوش کارگران و زحمتکشان قرار دارد . اما جز این است که هم اکنون صکیونتها تن بیگار ، آواره و گرسنه در سراسر ایران در فقر و تنگدستی بسر میبرند ؟ و آیا سطح زندگی کارگران و زحمتکشان بطور متوسط در صد افزایش قیمتتهار در یکسال گذشته ۳۰۰ درصد در نظر گیریم ، این بدان معناست که مزد کارگران به یک سوم تقلیل یافته است یعنی کارگری که در سال گذشته در ماه ۳۰۰ تومان میگرفت ، اصلا در ازای همان ۳۰۰

تومان فقط قادر است معادل ۱۰۰۰ تومان سال گذشته ما بحتجاج روزمره خود را تهیه کند . اگر چنانچه قرار باشد وضعیت زندگی کارگران در حد همان سال گذشته حفظ شود ، در انصورت لازمست که مزد آنها صبرا بر شود . اما میدانیم که قیمتتهار بناری حقوق کارگران افزود نمشد ما دست بلکه به اشکال گوناگون نیز دولت آنها را سر کبشه کرده است . باز هم هزینه های جنگ ارتجایی را بدوش کارگران و زحمتکشان انداخته اند و بنحی و حشتتاکتی بر شدت است ما را کارگران افزود شد ما دست . وضعیت کارمندان دولت و تمام کسانی که حقوق ثابت دارند نیز بوخامت گرائیده است . دهقانان زحمتکش نیز بر بار این فشارهای طاقت فرسا ما دست اما نسه خراب شد ما دست . چرا که از یکسود دولت میگوشت بر طبق قیمتتهائی که خود تعیین میکنند محصولات دهقانان را بقیمت ارزان خریداری کند و از سودی که در دهقانان مجبورند ، در بازار ما بحتجاج روزمره خود را بقیمتهائی گزاف خریداری کنند . تنها سرمایه داران بخشهایی از بازار ایران که وارد بند و بستهای دولتی شده اند و دستگا ه فاسد روحانیت است که از این اوضاع سود میبرند و ملیونها و صلیاردها ریال در هر ماهه جیب میزنند . در یکسوا کثرت عظیم توددهای مردم با فقر و صکت دست بگیریا نند و روز به روز وضعیت آنها بدتر میشود و در سودی که بگرنک مشت استمطر گروانگل جامعه مشورتتهائی هنگفت می آند و زند و در فاهزندگی میکنند . در چنین شرایطی است که معاون نظارت بر روابط کاروزارت کار با پاسخ به وضعیت وخیم کارگران با بخرمی تمام میگوید : در اسلام تضاد میان ثروت و فقر وجود ندارد بلکه تضاد میان اسلام و کفر است . من خودم سرمایه دارانی را میشناسم که خیلی به انقلاب کمک کرده اند (اطلاعات دوشنبه ۴ آبان) اینکه معاون وزارت کار از سرمایه داران دفاع کند تمحیبن ندارد ، چرا که رژیم جمهوری اسلامی و تمام مزدوران دستگا ه دولتی آن وظیفه ای جز پاسداری از تضاد سرمایه داران ندارند . اما وقاحت بیش از حد لازم است که کسی تضاد فقر و ثروت را کفسترا پای جامعه بر آن گواهی میدهد ، انکار کند . تضاد میان فقر و ثروت واقعیتی است آنچنان روشن و تیر بد ناپذیر بقیه در صفحه ۸

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



## اخبار کوتاه کارگری

### پاریس الکترونیک :

اوایل آبان - طبق گزارشات رسیده کارگران پاریس الکترونیک در اعتراضاتشان با مدبر کارخانه وانجمن اسلامی درگیر شدند و خواستار اخراج اعضای انجمن اسلامی شدند و بعد نبال برخورد های لفظی به اعضای مزدور انجمن اسلامی حمله کردند و آنها را مضروب ساختند . سپس با صد آواز سر ما بهما هجوم مسلحانه خود جمعی از کارگران را دستگیر کردند و پس از چند روز عده های از کارگران نیز اخراج شدند . طبق این گزارش تمدن آرد دستگیر شدگان و کارگران اخراجی جمعاً بیش از ۱۰۰ نفر میباشند

### تعمیرگاه شماره ۹ شرکت واحد

۶۱/۸/۱۴

طبق بخشنامه های که اخیراً داده شده ، حق خوردن صبحانه نیز از کارگران (در محل کار) سلب شده است و در این رابطه از مزدوران حزب الهی خواسته شد که به وظایف جاسوسی خود عمل کرده و هر آنکس را که در محل کار صبحانه میخورد معرفی کنند . اما کارگران بایستی توجهی کامل به این بخشنامه طبق معمول عمل نمیکند و در محل کار صبحانه میخورند .

### چیت ممتاز ۵/۸/۶۱ :

انتخابات شرکت تعاونی کارگران بدون حضور کارگران برگزار شد . چند ماه پیش کارگران چیت ممتاز در اعتراض به دزدیهای شرکت تعاونی در مقابل تعاونی تحصن کرده و مانع بازگشائی آن شدند که این حرکت با هجوم پاسداران ناموفق ماند . در تاریخ ۱۵/۸/ همان افراد قبلی مجدداً برای شرکت تعاونی کاندیدا شدند . بدنبال این جریان کارگران در اعتراض بکاندیدا شدن این افراد در انتخابات شرکت نکردند و انتخابات فرمایشی بگونه های مضحک وبدون حضور کارگران برگزار شد .

### شرکت واحد ۱۳/۸/۶۱ :

مدیر جدید که از عناصر مورد اعتماد رژیم است ( و ناطق نوری وزیر کشور پیشینهاد فرمادند اری تهران را به او داده ) حدود ۲۰ نفر از افرادی را که خود بر سر کار گذاشته بود استخدام رسمی نمود . این عمل در شرایطی صورت گرفته که تعداد زیادی از کارگران قرارداد های کحتی برخی از آنها سال سابقه کار دارند هنوز رسمی نشده اند . این حرکت ضد کارگری از آنرو صورت گرفت که جاسوسان تازه استخدام شده هم مورد اعتماد رژیم حرکات مشکوک کارگران را خنثی کرده و نقش اعتصاب شکن را ایفا نمایند .

## چینش کارگری



### پاریس مثال :

در تاریخ ۸/۳ / مجمع عمومی جهت سخنرانی مدبر کارخانه تشکیل شد . او در سخنان خود ضمن اینکه از طرح های گسترده ای جهت افزایش تولید سخن راند از کارگران خواست که بیشتر کار کنند و ساعات و کیفیت کار بپذیرند اما در عوض از خواسته های کارگران با وعده وعید گذشت .

سپس نمایندگان شورای فرمایشی کارخانه ناماد سخنرانی شدند که در این هنگام کارگران بطور دسته جمعی جلسراتک کردند و با حرکت بکپارچه خود بی اعتمادی خود بشورای فرمایشی را بنمایش گذاردند و اینکه هیچگونه توهمی نسبت به مزدوران رژیم ندارند . نمایندگان شوراه که وضع را نامناسب دیدند از سخنرانی منصرف شدند .

## خطاب به ...

بقیه از صفحه ۱۴

وضعیت حلوی کارخانه که آیا افراد مسلح وجود دارند یا نه ؟ آیا در ساعت مقرر ماشین گشت دیده میشود ؟ وضع معارفه در آران و در که در آران محسب چگونه است ؟ در محل پخش (سرکوجه ها و ...) آیا جوانان محل می ایستند ؟ اگر می ایستند چه تیبی هستند آیا امکان دستگیری توسط آنان وجود دارد ؟ وضع ترافیک در ساعت پخش چگونه است ؟ آیا میتوانیم بسرعت از محل خارج شویم ؟ ( وقت شود که تقسیم بندی رفقا در جزوه شان تقریباً مطابق با تقسیم بندی ما تحت عنوان شناسایی مرد هوزند هم باشد )  
- کشیدن کروکی : کروکی نقشه ای است که تمام جزئیات عملیات با وقت و توضیح کافی در آن

معکس می باشد . کروکی برای مرور و بررسی مجدد فقای تیم پخش و همچنین بررسی توسط مسئول بنسبته و رفع اشکالات پخش ترسیم میشود .  
در کروکی ابتدا نقشه کارخانه و منطقه کشیده میشود . سپس خیابانها و محله های ورود و خروج تیم پخش را می کشیم پس از آن نقاطی را که افراد مسلح و مشکوک وجود دارند در نقشه نشان میدهیم . مناطق تجمع کارکنان و مسیر حرکت آنها باز کرساعت دقیق مشخص میشود . بعد از تکمیل کروکی ( اگر با نظارت و حضور مسئول هسته ترسیم و تکمیل شود مناسبتر است ) هسته شروع به طرح پخش میکند و با بررسی دقیق کروکی موارد زیر را مشخص مینماید - جماعتی وارد محل شویم ؟ - از چه مسیری وارد و از چه مسیری خارج شویم ؟ - به چه طریق وارد محل شویم ؟ ( در قسمت قبل از پخش توضیح داده میشود ) - در کدام نقطه پخش کنیم ؟ - نحوه پخش به چه صورت باشد ( در قسمت پخش توضیح داده میشود ) - در کدام مسیرها تصفیه کنیم ؟  
اراده دارد

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



اعتصاب

بقیه از صفحه ۱

عمومی پیدا کنند ، بخاطر نقش تعیین کننده طبقه کارگر در حیات جامعه ، کل جامعه را فلج میزند ، اگر چه این حالت بدون فراوانی اعتصاب عمومی سیاسی بقیام مسلحانه جهت سر انداختن رژیم سرمایه داری و جان نشین کردن رژیم انقلابی هیچگاه قادر به حصول بها هد اف انقلابی مورد نظر کارگران و زحمتکشان نخواهد بود .

ما ، از این شماره تدریجا اقدام به درج سلسله مقالاتی خواهیم کرد تا ویژگیهای گوناگون اعتصاب و نقش آن در تکوین یک روند انقلابی هر چه بیشتر بازشناخته شود . این مقالات در عین پیوند ارگانیکیکه با یکدیگر خواهند داشت ، ولی هر بار بشکلی نسبتا مستقل و خود کفآرا خواهند شد و در هر نوبت صحبت مشخصی را به بیان خواهند برد . در این شماره خواهیم دید که چگونه اشکال عمده مبارزاتی در هر دوره و به فرماسیون مسلط بستگی مشخص دارد و اینکه در هر کدام از فرماسیون های اقتصادی اجتماعی ، طبقات تحت ستم با اشکال ویژه ای متمایز از یکدیگر مبارزه میکنند و سرانجام اینکه اعتصاب سلاح پرولتاریاست .

از زمانی که جامعه بشری به طبقات مختلف تقسیم شده است . تاریخ زندگی انسان ، تاریخ مبارزات مردم تحت ستم بر علیه طبقات استثمارگر بوده است . در هر دوره تاریخی بسته به مناسبات اقتصادی - اجتماعی حاکم ، طبقات محروم جامعه بطریق گوناگون و با اشکال مختلف بر علیه مناسبات استثمارگرانه حاکم مبارزه میکردند . قوانین عام و اساسی مبارزه طبقات در هر دوره تاریخی تابع مناسبات اجتماعی و انعکاسی از ساختار اقتصادی و اجتماعی در آن دوره میباشد . بدین جهت برای شناخت اشکال مبارزاتی توده های تحت ستم علیه نظامات بهره کشی در هر عصر تاریخی ، شناخت اساسی ترین مشخصات ختمان تولید اقتصادی آن عصر ، و نیز جایگاه ویژه طبقات در سازمان اجتماعی کار ، ضرورت میباشد . عبارت دیگر ، شکل مبارزاتی طبقات در دوره های مختلف تاریخی ، بنا به مناسبات اقتصادی - اجتماعی

حاکم ، از یکدیگر متمایز است . بر این اساس ، شکل مبارزاتی معمول بردگان در هقانات و کارگران تعیین میشود و از یکدیگر متمایز میگردد . و نیز بر اساس رابطه هر طبقه با ابزار تولید و جایگاه ویژه هر طبقه در سازمان اجتماعی کار ، شکل مشخص و طبیعی مبارزات آتشبار و طبقات درون یک نظام مسلط از یکدیگر متمایز میگردد ( مثلا شکل مبارزاتی کارگران و خرد بوزروازی در نظام سرمایه داری ) .

عقب افتادترین و سیمانه ترین شیوه استثمار در دوران برده داری وجود داشت . برده ها نه تنها ، از هیچگونه حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار نبودند ، حتی خود " مالک " خویش نیز نبودند . برده ها خود بخشی از ابزار تولید جامعه برده داری بحساب آمد و در تولید نعمات زندگی و معیشت برد در آن چون ابزار کار بخدمت گرفته میشدند . اشکال مبارزه ای که بردگان بهمان روی می آوردند انعکاسی از مناسبات اجتماعی در آن دوران بود . بردگان تحت شرایطی ، دست به کم کاری میزدند و به این ترتیب مخالفت خود را علیه نظام موجود آشکار میساختند ، و در شرایطی که فشار کار و اذیت و آزار برد در آن فزونی مییافت ، از آنجا که بردگان مالک هیچ چیز نبودند و هیچگونه وابستگی به محیط کار و زندگی خویش نداشتند ، دست به فرار و یا بشورشهای محلی و خودکشی میزدند و این عمومی ترین شکل مبارزه آنان بود . مبارزه ای که به علت پراکندگی عدم سازمان یافتگی و روشن نبودن هدف ، همیشه بوحشیانه ترین وجهی سرکوب میشدند .

اشکال مبارزات در هقانات بر علیه فتود الهی نیز انعکاسی از شیوه تولید فتود الهی بود . تاریخ مبارزات در هقانات غالبا با شورشهای دهقانی که عمدتاً از هم گسیخته ، جدا از هم و خود به خودی است ، همراه میباشد . در هقانات چون خود بر مالکیت برابر تولید و آنچه که بعنوان محصول از زمین برداشت میشود شریکند ، طبقات مبارزه بر علیه اربابان خود برای سهم بیشتر و روماردی برای کسب مالکیت تمام ابزار تولید ، هرگز به اشکال اعتصابی مبارزه ، یعنی خود داری از کار کردن و یا کم کاری دست نمیزنند ، چرا که خود مستقیماً از آن متضرر میشوند . دهقانان نیز وقتی فشار بهره کشی فتود الهی طاقت فرسایشی میشود ، زمانیکه قحطی و خشکسالی

و وضعیت معیشت آنها را بیشتر از پیش خراب میکرد ، دست بطغیان و شورش میزدند ، در چنین شرایطی فقط جبرهای لازم بود تا دهقانان را اسباب و اسلحه ایشان را بگیرند ، بصورت خانه ارباب روانه شده ، فتود ال و ارباب زمین را کشته ، خانه اش را به آتش کشید و برای مدتی وقتاً سر بکوب میزنند . اما آنها هرگز برای مبارزه ( بعنوان یک شیوه معمول ) زمین خود را ترک نمیکند ، در حقیقت موضوع مبارزه همان زمین است . مبارزات دهقانان ، اساساً متشکل ، سازمان یافته و به هم پیوسته نبود و این خود باعث شکست اغلب قیامهای دهقانی بود . دست نبود شکل و سازمان یافتگی و وجود پراکندگی در مبارزات دهقانی خود انعکاس وضعیت دهقانان در سازمان فتود الهی است . تولید در نظام فتود الهی که متکی بر کار مزدی دهقانان است ، باعث میشد که زمینه های عینی مبارزه جمعی و سراسری در بین دهقانان وجود نداشته باشد . نقش فردی دهقان در تولید ، انعکاس خود را در اشکال پراکنده ، از هم گسیخته و انفرادی شورشهای دهقانی بازمی یافت .

با رشد مناسبات سرمایه داری طبقه کارگر بعنوان طبقه نوینی متولد میشود . همزمان با رشد بوزروازی در جامعه ، بر رشد کمی و کیفی طبقه کارگر نیز افزوده میشود . با پیدایش این طبقه اجتماعی ، اعتصاب بعنوان شیوه نوینی از مبارزه و بعنوان سلاح پرولتاریا در مبارزه علیه بوزروازی شکل میگردد . وقتی مارکس میگوید : آنچه که تعیین کننده شعور انسانهاست ، هستی اجتماعی آنان است نه اینکه شعورشان تعیین کننده وجودشان باشد . " به معنای روشن میکند که علل وجودی شیوه های معینی از مبارزه پرولتاریا را نباید در طرز تفکر و میل طبقه در بکارگیری این اشکال مبارزاتی جستجو کرد ، بلکه برای بررسی در دست و علمی باید به شناخت از هستی اجتماعی انسان دست یافت . شعور کارگران نیز خود ، انعکاس موجودیت اجتماعی این طبقه میباشد . بر مبنای موجودیت اجتماعی این طبقه مبارزه پرولتاریا ، یعنی نقش و جایگاه آنان در سازمان اجتماعی کار است که اعتصاب بعنوان یکی از معمولی ترین و طبیعی ترین اشکال مبارزاتی طبقه کارگر شکل میگردد ، یعنی اعتصاب بازتاب نقش پرولتاریا در مناسبات اقتصادی جامعه سرمایه داری است .

اساسی ترین بقیه در صفحه ۹

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپایی اعتصاب عمومی - سیاسی ایجاد کنیم





# قانون

دستگیری و اعدام کارگران و تودهای زحمتکش هم‌اها پیشبرد سیاستهای از قبیل تشکیل نیروی ویژه، لغو تعطیلی روزهای پنجشنبه، انحلال دادگاههای حل اختلاف در عین حفظ ماده ۳۳ قانون کار گذشته و در کنار همه اینها است که تدوین پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی به کارگران اطلاع داده میشود.

رژیم جمهوری اسلامی، با نیت برقراری سلطه بلا منازع و خشک بر یکتا توری بورژوازی، در پی هرگامی - اما در رویارویی با باید آری تودها، گامهایی به پیش و گاه پیش گام سیاست سرکوب و نفی آزاد بهار پیش برده است، امروز که به نفی کامل آزاد بهار و اعمال دیکتاتوری بر میان و تحمیل حکومت نظامی اعلام شده‌ای بر مردم دست یافته، شرایط را تا حد اعلام تدوین پیش نویس قانون کار، مطلوب دانست. پیش نویسی از آنگونه که همی عقب ماند و تر از قانون کار شاهنشاهی است، از آنگونه که بصراحت از خیر شدن نیروی کار اما تا حد اجاره و اجیر شدن زحمتکشان سخن میگوید، و بر تمامی حقوقی که کارگران طی مبارزات قهرمانانه خویش کسب کرده‌اند، بیکباره خط بطلان میکشد.

رژیم گریز از بحرانی که بشدت گوییش را میفشارد و چاره فائق آیدن بر بی نظمی و رویا پرستی با جنبش او جگر بند تودهای راد رازمونی دیگر جست است. تلاش برای تحمیل قانون کار تهیه شده است بد افغان نظم سرمایه.

گفتمی که تدوین پیش نویس قانون کار جدید تنها بعنوان یک خبر اعلام شده در حالیکه هنوز متن آن انتشار نیافته و مفاد آن از دید کارگران و زحمتکشان پنهان نگاه داشته شده است چرا؟ پاسخ روشن است.

تلاشهای جمهوری اسلامی بسر این اصل استوار گردید که جهت پیشبرد سیاستی مشخص علیه کارگران و زحمتکشان، همانا باید دلیل رشد آگاهی تودها و تند اوم حرکت و جوشش مبارزات آنها، ابتدا برای قبول اندن و تحمیل آن سیاست به زمینه سازی اقدام نماید تا بعد بتواند آنرا به عنوان یک قانون لا یتفیر ابدی -

الهی به تودها تحمیل نماید. حل مشکل بیکاریها به گردش در آوردن سرمایه در تولید، جازدن جمهوری اسلامی در رژیم حاکمتهای سرمدی در عین استمداد از سرمایه داران - فراری برای بازگشت به کشور گونهای از این اقدامات زمینها زبوده‌است.

مشابه همین سیاست را آنجا که عوامل رژیم از قانون کار اسلامی سخن میگویند نیز میتوان مشاهده کرد: معتقد رضائی معاون وزارت کار، در گرد هم آئی ای کبه منظر بحث بهرامون قانون کار تشکیل شده اظهار میدارد: در اسلام تضاد میان ثروت و فقر وجود ندارد، بلکه تضاد میان اسلام و کفر است (کیهان - ۸/۱۸).

فاضل هرندی، نماینده امام در ستاد واکذ آری زمین و رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، ضرورت پذیرش قوانین مدافع سرمایه داران را از سوی کارگران بگونه‌ای دیگر تبلیغ میکند. او میگوید: "مادر عین اینکه طرفدار مستضعفین هستیم، نباید این سالها از نظرمان دورماند که قانون خدا را رعایت کنیم و رعایت قانون باید برای ما خیلی مهم باشد" (اطلاعات - ۸/۱۰).  
وتوکل جبهت القاء و تثبیت این اندیشه، همچون دیگر عوامل رژیم، وعده مینماید که مطلوب رامیدهند: "قانون کار اسلامی باعث خواهد شد که آنها (کارگران) در بلند مدت از نعمه این قانون استفاده نکنند" (کیهان - ۷/۵۰).

با چنین مقدمه‌چینی‌های هموار فریبنا نه‌واژوری‌ریا و تزویر حمایت از مستضعفین در عین رعایت قانون برابری ثروتمندان و تهیدستان است که رژیم تدوین پیش نویس قانون کار را به اطلاع کارگران میرساند. اما هنوز زود است که مفاد آن نیز انتشار یابد. شرایط مطلوب آن هنوز فراهم نگشته است. حرکتهای اعتراضی روبه گسترش کارگران و اشکال متنوع جنبش خود انگیخته تودهای آریک سو و وحشت از افشای ماهیت این قانون از سوی نیروهای انقلابی، هنوز اجازه نمیدهد که این پیش نویس در سطح جامعه مطرح گردد.

سخن نبوی از میان بی شعر سخنان عوامل رژیم، دلیل آشکار این وحشت رژیم است: نبوی استلال میکند: این لایحه هنوز بعنوان یک پیش نویس است... و درست نیست در سطح

جامعه مطرح شود... نباید به ضد انقلاب خصوصا گروههای چپ اجازه بهره‌برداری از این بحث و گفتگوها داد شود (کیهان - ۷/۹۳).

اما، آنجا که توکل ابراز امیدواری میکند که کارگران از هیاهوی گروههای چپ، وسوسه نشوند و بخوابان نریزند (کیهان ۷/۵۰).  
خاضعای ترجیح میدهند: ابتدا نظر خود را در هیات دولت مطرح نموده سپس از آن در رسانه‌های گروهی اعلام کنند (کیهان ۹/۳). یا بصورت دیگر پس از بررسی و تصویب دولت، باید گفت: برآستی که سرمداران رژیم جاهل سود و صریح از نیت پسرده پوشی گویا و تصویب آن در مجلس سخن میگویند، از آنرو که بعد بتوانند از آن جوانان جماعت قانون استفاده کنند و بر سر خلق بگویند.

بهر روی رسیدنی است که محتوا و مفاد پیش نویسی چیست که رژیم را اینگونه پنهانکاری و ادراشتن و وحشت در از اینگونه کارگران، که بی باست مجری آن باشند از متن آن اطلاع حاصل نمایند. قانونی که به ادعای توکل اگر تصویب شود، مشکلات کارو کارگری را حل خواهد کرد.

ناگفته پید است که حل مشکلات کارو کارگری همسبک و سیاق جمهوری اسلامی جز در قاع از سرمایه داران نیست. چرا که استلال رژیم در رنجی ضرورت نظر خواهی از کارگران بهنگام تدوین این پیش نویس خود موبد این سخنان است.

با ز توکل است که در این باره سخن میگوید: "مواد این قانون از دو بخش تشکیل شده که یک بخش - که قسمت عمد آنرا تشکیل میدهند - از احکام الهی نشأت گرفته و بخش دیگر مسائل است که جای مشورت دارد. در مورد آن قسمت از پیش نویس قانون کار اسلامی که بر اساس احکام الهی تنظیم و تدوین شده فقط نظر و رای کارگران بلکه رای من و وزیرها هر بشر در یکد خیل نبود هونیست. در این رابطه ما تنها کاری که انجام دادیم انعکاس احکام از قول فقهای دین بود است" (کیهان ۷/۲۰).

اما ببینیم توکل در خصوص بخش دیگر که جای مشورت دارد چگونه استدلال میکند، او پس از ملاحظات با خمینی میگوید: "در این دیدار امام بقیه در صفحه ۶

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی نیایی و قیام مسلحانه بر انداخت



بر جنبه اسلامی بودن قانون کاربردهای باب اجاره فقط اسلامی تاکید فرمودند تا در استخدا امهای دولتی و بخش خصوصی مورد استفاد قرار گیرند چون این قانون با چهار جوب قرار دادن قانون کار فعلی تهیه شده و از نظر اسلامی دارای اشکالات زیادی بود ، چون نمیتوانیم اسلکت اعتراض کنیم ، در نتیجه از جنبه های فنی آن استفاد همینکه (اطلاعات ۵/۱۰)

با چنین تحلیلی که رژیم برای تدوین قانون کار دارد ، بخشش به دلیل حاکم گردانیدن اراده خد اوندی و احکام الهی ، که فقط فقها حق تصمیم گیری دارند و بخشش هم که فنی است ، میبایست بر اساس قانون شاهنشاهی پیش رود ، چون اسلکت و اساس نظم را کسه نمیتوان تغییر داد ، بنا بر اینسن کارگران فقط باید منتظر باشند که قوانین ساخته و پرداخته رژیم اسلامی در قاع از سر مایه در آن راه اجرا در آورند . اینجاد بگر ضرورت وجودی کارگران تنها تا آن حدی مطرح میشود که چون اجیری برای کار فرمایان که طبقه انسانها را تشکیل میدهند برد هوار کار کنند و در زیر فشار چرخ دنده های ماشین ، فقط بخاطر آنکه برای کار روزمندی صستی وضعف بر آنها چیره گردد ، اکتفا ورزند .

به توضیح بیشتر پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی بپردازیم .

در این مقاله سعی ما بر این است که به بررسی مختصر پیش نویس و طرح رئیس کلی آن بپردازیم . برخورد به بند بند مفاد این قانون را در مجموعه مقالاتی که پس از این خواهد آمد ، موکول میکنیم .

پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی از دو بخش اجاره و جماله تشکیل شده است که منظور همانا استفاده و دستمزد است . اما از آنجا که رژیم تمامی کارگران و زحمتکشان را تا سطح اجیر و برده تنزل میدهد ترجیح میدهد بجای استفاده و دستمزد از اصطلاحات اجاره که قرار دادی است برای اجیر شدن کارگران و جماله که قرار دادی است برای تعیین میزان دستمزد از سوی کارفرما استفاده کنند .

بر اساس چنین تعاریفی است ، که مدافعان حمایت از دستضعفان

### قانون . . . بقیه از صفحه ۵

جامعه ، حامیان کارگران و کشاورزان و همه محرومین ، کارگران را اجیر و کارفرمایان را مستاجر مخوانند .

این ، اما ، هنوز آغاز سخن است . جمهوری اسلامی برای آنکه کارگران در چار خیال باقی نگردند و جایگاه خویش را در جمهوری اسلامی بخوبی دریابند و بار از آنجا که رژیم میخواهد فراتر نگذرانند ، در فصلی که عنوان مسئولیت مستاجر و جبران خسارت وارد هر ۳ اجیر را دارد ، نه تنها موقعیت کارگران را مترادف با اجیر میدانند بلکه تنها این کارفرمایان اند که انسان انگاشته میشوند . متین پیش نویس ، حتی آنجا که میناگزیر از انسانها بطور کلی سخن گفته است ، نتوانسته از محسوب داشتن کارگران بعنوان شیئی حد در نهایت جبراکسه منافع حاصله را ، یعنی سود حاصل از فروش نیروی کار کارگران ، جز اموال است .

اگر بگوئیم رژیم جمهوری اسلامی تنها سرمایه داران را انسان میدانند و ارزش توده های زحمتکش را تا سطح چهار پیمان و اشیا تنزل میدهد ، سخن بکفاف نگفته ایم . کافی است به نقل عبارتی از خمینی که در متن پیش نویس آمده اشاره کنیم تا ارزش زحمتکشان را در دیدگاههای مدافعان مستقیم سرمایه بیشتر دریابید .

اگر بار بر پایش بلغزد و محموله اش بشکند ضامن است ولی چنانچه چهار پایا ( ماشین باربری ) که برای نقسل محموله کرایه شد بلغزد و خسارتی بپیر محموله وارد آید ضامن نیست . . . ( تحریر الوسیله رساله نونین خمینی ، صفحه ۲۲ متن پیش نویس ) .

مجموع قانون کار جمهوری اسلامی ، علاوه بر بخشهای استفاده و دستمزد موارد متعددی دیگری که به حقوق کارگران مربوط میشود را نیز در بر میگیرد . بجهه های اجتماعی ، خدمات رفاهی ، بازنشستگی ، حقوق کارگران بهنگام فسخ قرارداد و همچنین کار زمان و شرایط آن . اما خام اندیشی است اگر بپنداریم که پیش نویس تامین این حقوق را مد نظر قرار داده است . بی حقوقی صرف ، برد هوار زبستن ،

بهره بردن و تلف شدن ، آنجه مهم و محترم است عمل انسان است زیرا جاهل ( منظور شان کار فرماست ) باید از عمل آنان ( کارگران ) منتفع شود .

بهر هر و طبق این پیش نویس ، قرار دادی بین کارگر و کارفرما منعقد میگردد ، مدت قرارداد ، میزان دستمزد . . . به تراضی طرفین یعنی به رضایت طرفین قرارداد ، ذکر میشود و ضابطه معینی در کار نیست . زیرا در وقت اسلامی نمیتوان برای کارفرمایان تعیین تکلیف کند . سخنان موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی خوب بیان بارز این تکلیف است . او میگوید : طبیعی است که حمایت از کشاورزها کارگرها هر قدر مستضعف در بگر باید در چهار جوب مواز بسن اسلامی باشد . . . ما نمیتوانیم به کارفرما بگوئیم که کارگرت را بیمه کن ، در سال فلان مقدار مرخصی بده یا حداقل حقوق کارگر فلان مقدار باشد ( کیهان ۸/۲۲ )

سلبا بر این اساس در بگر گفتگو از تامین حقوق کارگران و ضوابط تعیین کنند در قانون ، جز جمله در ازبهای عوامر بیبانه نخواهد بود و کارفرما هر گرا خواست با هر مقدار دستمزد استفاده ام میکند و آنکه نیازمند است در برابر دریافت حداقل دستمزدی حتی اگر نتواند امروزش را بفرد لساند ، مجبور به قبول است . چه تعیین اجرت به تراضی طرفین صورت گیرد وجه در صورت عدم توافق بوسیله گلرشناس معین ، در اصل قضیه استمارو بهره کشی کارگران - تفاوتی نمیکند .

بدین ترتیب در قانون جمهوری اسلامی ، از پیش بدبیبی ، اعلام شده که کارفرما ، حاکم بر سر نوشت کارگر خواهد بود . قرار را کارفرما میکند . و کارگر مجبور است بهر نوع کاری و با هر مقدار دستمزدی تسن در دهد بدون آنکه از حقوقی بهره مند باشد .

آنجا که سخن از اجیر است در برابر انسان ، یا آنجا که گفته میشود ، کارگر حتی حق کار کردن - برای خود به هنگام شب را ندارد چون موجب ضعف صستی در روز بعد که اجیر دیگری است میگردد ، و تنها قادر به انجام کارهایی برایش مجاز شرد میشود که منافاتی با قرار استفاده اش نداشته باشد ( مانند صرف ناهار که مسلم برای بهره دهن لازم است بقیه در صفحه ۷

## حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست





واگر نه آنهم لابد ضرورتی  
نداشت!

از متعلل و کم کاری و اخلاص در تولید  
... و

گفتم برخی سردمداران رژیم  
سخن از آهرمهای در اختیار دولت  
برای منع اجحاف و ستم علیه کارگران  
از سوی کارفرمایان، جزعوا مفریبی و  
ریاکاری نخواهد بود. (موسوی  
گهبان ۸/۲۲) البته اعضای کابینه  
و نخست وزیر مدتی است که صراحت  
گوئی پیشه کرده اند. بجهت موسوی،  
چه صریح حکایتش را از سر ما بهاران  
اعلام میکند آنجا که میگوید:  
"میتوانیم به او (کارفرما) بگوئیم  
اگر مقررات دولت را در این زمینهها  
رعایت نکنی، نمیتوانی از خدمات  
دولتی استفاده کنی (همانجا)

سیاست جمهوری اسلامی طی  
این مدت بنحوی آشکار نشان داده  
که "آهرم"ها و مقررات دولت اسلامی  
تاما از همین نوع پیش نویس قانون  
کار جمهوری اسلامی است، که نه تنها  
مدافع منافع توده های زحمتکش  
نیست بلکه اساسا هرگونه بند  
کارگران بر اثر مبارزات قهرمانانه  
خویش بردست و پای کارفرمایان  
زد ماند، باز میکند. کافی است به  
چند لا محصو قانون جمهوری اسلامی  
بنگریم تا دریابیم که چگونه مارشال  
مبارزات کارگری، با دم افزون  
شدن بیداری و آگاهی کارگران و  
زیر سؤال قرار گرفتن رژیم مدافع  
سرما بهاران از سوی کارگران و تملی  
زحمتکشان، رژیم جمهوری اسلامی،  
با هر گامی که به پیش برداشته، نفسی  
حقوق کارگران را بیشتر از پیش،  
افزون ساخته است:

تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط  
کار در ۵۸/۳/۷ یعنی در صورت  
چهار ماه پس از قیام بهمن ماه که بر  
اساس آن به محض رسیدن هر خنجر  
اعتراضی، تحسن و... سیاه  
جامگان رژیم تحت عنوان "نیروی تنظیم  
روابط کار" بکارخانه میروختند و با  
تهدید و آزار و دستگیری و زندان  
حرکتهای اعتراضی را در هم میشکستند.

لغو قانون سهام کردن کارگران  
در منافع کارخانجات در ۵۹/۱/۱  
قانونی هر چند فریبکارانه تنها بخاطر  
پرداخت درصد ناچیزی از سود، اما  
بهر رو قانونی تحصیل شده به کارفرمایان  
از سوی کارگران.

لا یجه قانونی مربوط به پاکسازی  
درواحد های تولیدی، صنعتی،  
خدماتی و کشاورزی بمنظور جلوگیری

و بالاخره انحلال دادگاههای حل  
اختلاف که در پیش نویس قانون تحت  
عنوان اصل تراضی و تراضی طرفین  
به آن اشاره شده است.

بر اساس این اصل، اختلافات  
کارگری فقط از طریق سازش و رضایت  
طرفین قرار داد میبایست حل گردد و  
از این پس نیز میبایست در هماهنگی  
با سازمانهای مسئول در امر استفاده  
از بیمه کارگران و کارکنان واحد ها،  
ضرورت رضایت طرفین مورد تاکید  
قرار گیرد... مدبران کار و امور  
اجتماعی (نیز) در هماهنگی با  
مسئولان سازمان تامین اجتماعی  
تشویق و راهنمایی کارگران لازم است  
ترتیبی اتخاذ نمایند تا امر استفاده  
از بیمه اساس رضایت طرفین تحقق  
یابد. (بخشناه وزارت کار -  
اطلاعات ۱۶/۲۵)

تا زمان وجود این دادگاهها،  
کارفرما موظف بود در صورت اخراج  
بندگی کارگران، خسارت اخراج  
را بکارگران پرداخت نماید، هر چند  
به آنجا، مختلف سعی میشد مقدار  
این خسارت به حد اقل کاهش یابد،  
اما اکنون هیئت های حل اختلاف  
"نماید حکمی صادر میکنند" بلکه فقط  
باید صلح بین دو طرف دعوا برقرار  
نمایند و این در حالی است که حقوق  
اخراج در ماده ۳۳ قانون کار برای  
کارفرما هنوز محفوظ است.

این مطلب محتاج اثبات و استدلال  
نیست. کارگری رضایت میدهد که  
اخراج شود، دیگر چه لزومی دارد او  
را به نفع رضایتش فراخوانیم و معرفی  
برایش در نظر بگیریم.

ترتیب "امرافتاد ه از بیمه"، به  
همین جا خاتمه نمی یابد. "اتخاذ  
این ترتیب" را در کنار مواردی از پیش  
نویس که در باره عدم ضمانت کارفرما  
در برابر "هلاک" شدن کارگر است،  
قرار دهید، نه تنها به نفع بازنشستگی  
و نفع تامین بیمه که به حق بهره کشی تا  
در مرگ خواهید رسید.

اما جمهوری اسلامی به این هم قانع  
نیست. او حتی از کودکان و بیوانگن  
هم نمیگذرد، از نظر جمهوری اسلامی  
تمامی مردم زحمتکش، زن، مسرد  
"صغیر و کبیر" عاقل و سفیه" البته بجز  
"انسانهای" می باید بردارند گس

# قانون

... بقیه از صفحه ۶

کنند و برد و وار بهره دهند. چون با  
کار "مجنون و سفیر" هم کارفرما  
"منتفع" میشود!

این پیش نویس را با "تعاریفی"  
چند که در لایحه حد و وسیع فعالیت  
تولیدی بخش خصوصی مصوبه شورای  
عالی اقتصاد و هیئت دولت، آمده  
مقایسه کنید، تا تضمین های هم  
حائز رژیم جمهوری اسلامی را  
غارتگری و ستم و بهره کشی کارگران  
بیشتر دریابید:

"تعریف فعالیت تولیدی بخش  
خصوصی: ماده ۱... این قسمت  
از فعالیت اقتصادی... که با  
سرمایه یا نیروی کار اشخاص... انجام  
میکرد،

... نیروی انسانی کارگرتنها  
استحقاق دریافت اجرت نقدی یا  
جنسی بر طبق قرارداد منعقد ( عقد  
اجاره یا جماله) را دارد و در سود  
وزیان یا محصول واحد تولیدی سهمی  
نخواهد داشت...

... چگونه مدیریت واحد تولیدی  
بعهد کارفرما است.  
نیا ز به توضیح نیست. هماهنگی کامل  
پیش نویس قانون کار با لایحه حد و  
فعالیت بخش خصوصی کاملا مشهود  
است.

بدین ترتیب سردمداران رژیم  
جمهوری اسلامی اکنون به صراحت  
میتوانند به سؤال خبرنگار اطلاعات  
که، در تاریخ ۷/۱۷ از نسو،  
پرسید بود: لطفا بفرمائید چطور  
میتوان سرمایه داران و کارخانه داران  
که خون مردم را میکشد ه اند مجدد  
میان کارگران صلحان آورد؟ پاس  
روشنی دهند:

باتدوین چنین لواجیحی و تلاش برای  
قانونیت بخشیدن به استثمار و بهره  
کشی بیشتر و بیشتر کارگران.

رژیم جمهوری اسلامی بیسوده  
میکوشد با تصویب چنین قوانینی، به  
همراه سرکوب و خشیا نه، بر ستم و  
بهره کشی از کارگران بیفزاید.  
سردمداران رژیم دست به تلاشی  
عبث زدند. راه حل های سرمایه  
دارانه برون رفت از بحران اقتصادی،  
افزایش مناسبات تجاری و بازرگانی با



که هیچکس نمیتواند بر آن سرپوش بزند. تمام کارگران و زحمتکشان ایران این تضاد را بسیار تمام وجود خود لمس میکنند. چگونه ممکن است در جامعه‌ای بخش اعظم مسائل تولید در دست تعداد قلیلی افراد متمرکز باشد، و اکثریت عظیم مردم یعنی کارگران جز دستهای خالی خود چیزی نداشته باشند، اما تضاد فقر و ثروت وجود نداشته باشد؟ معاون وزارت کار البته که نمیتواند بر تضاد طبقاتی میان کارگران و سرمایه‌داران، تضاد میان فقر و ثروت که اینچنین در رژیم جمهوری اسلامی ایران شده است، سرپوش بگذارد، بلکه تنها نقش مذہب را بعنوان وسیله‌ای در جهت تحمیل بود و باور جهت اصابت معنوی آنها فاش میکند. اگر چهار سال پیش هنگامیکه توده‌های ناآگاه به جانبداری از خمینی شعار میدادند و هنوز ماهیت او را نمیدانستند و مردم افشا نشده بودند، او نمیتوانست مدعی شود که در اسلام تضاد فقر و ثروت وجود ندارد و جامعه اسلامی از جامعه‌های برتری است. امروز که کارگران و زحمتکشان ایران بخوبی درک کرده‌اند که تمام وعده‌های خمینی جز قاع پوشیده از نظام سرمایه‌داری و استثمار کارگران، جز فریب توده‌ها چیزی نبود است. اظهارات معاون وزارت کار بر پیشخند گرفتن توده‌های مردم است، البته معاون وزارت کار میخواست به زبان بی‌زبانی بکارگران بگوید که اگر تضاد فقر و ثروت سخنی بجان می‌آورد و بحریم مقدس سرمایه‌تختی کنید! اسلام جنگ صلیبی خود را با شما بجا بکفار آغاز خواهد کرد. اما مسئله بهمین جا نیز ختم نمیشود. رژیم جمهوری اسلامی در قاع از منافع سرمایه‌داران را بحدی رسانده است که در حال تدوین قانون کار نیست که سرمایه‌داران حق میدهند با کارگران همانند برده رفتار کنند. موسوی مزد و رنجست و زیسر جمهوری اسلامی طی مصاحبه‌ای در آنجا می‌فرمود این سیاست ارتجاعی توضیح میدهد: «مانیتوانیم بکارفرما و بخش خصوصی بگوئیم که کارگرت را بی‌مکن و در سال فلان مقدار مرخصی بدو بیا حد اقل حقوق کارگران فلان مقدار باشد» نخست وزیر جمهوری اسلامی اعلام میدارد که در اواخر قرن بیستم خیال دارد، کارگران را تا سطح برده‌گان نزول دهد. او چنان حرف میزند که گویا کارگران برده‌گان سرمایه‌دار هستند و

### توازن نامه

بقیه از صفحه ۲

سرمایه‌دار میتواند با کارگر به یک برده رفتار کند. تا جایی که میتواند کارگر را استثمار کند، شیره جان را می‌کشد مزد کمتری بپردازد. اگر اراده کرد به کارگر مرخصی بدهد و اگر نخواست ندهد بی‌مهمم که دیگر معنائی ندارد! چون برده‌ها را استثمار میکنند، باید تا زمانی که میتواند کار کند و هر زمان هم کم‌تر، مردم آری! رژیم جمهوری اسلامی نه تنها کارگران و زحمتکشان را مدعی بصوی فقر و صکنت هولناکی سوق داده است بلکه وقیحانه اعلام میکند که کسی حق ندارد سرمایه‌دار بگوید کارگرت را بی‌مکن، و در سال فلان مقدار مرخصی بدو بیا حد اقل حقوق کارگران فلان مقدار بیاشد، اکنون دیگر معلوم میشود که اسلام واقعا حامی چه کسانی است.

اما رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در عرصه اقتصاد بیهوده فلاس و ورشکستگی مطلق را جار زد، و توده‌ها را به فقر و فلاکت فزاینده‌ای سوق داده است، بلکه در عرصه سیاسی نیز ورشکستگی مطلق خود را بنمایش گذاشته است. همان حکومت تروریسم ایران رژیم، همان حکومت نظامی اعلام نشده‌ای را که در تمام ایران برقرار کرده است کافی است تا نشان دهد ورشکستگی، زوال و از هم پاشیدگی آنرا نشان دهد.

و قتی که رژیم به مرحله‌ای از رماندگی میرسد که با ریختن هزاران پاسدار با خیابانها می‌خواهد پای به‌های لبرزان حکومتش را مستحکم کند و قتی که رژیم به مرحله‌ای از زوال و انحطاط میرسد که از فرط یاس و نومیدی دست بسنه عظیم ترین جنایات می‌زند و طی یک سال ونیم ۲۰۰۰۰ تن از فرزندان خلق را بچوخه‌ها اعدام می‌کشد و نزدیک به صد هزار تن را بزندان می‌کشد یک چنین رژیمی در حقیقت امر اعلام ورشکستگی سیاسی نموده است. رژیمی که حتی ابتدائی ترین حقوق انسانی آنسانی را از مردم سلب کرده است. ما را اینجا از سلب آزاد بهیسه‌ای سیاسی سخن نمی‌گوئیم. چرا که این رژیم شبه‌فاشیستی ذاتا با آزادی - سیاسی دشمنی دارد بلکه سخن بر سر نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی است. رژیم که در ملاء عام شلاق می‌زند، سنگسار میکند، دست و پا قطع میکند، به‌داری آویزد و در زیر لوی اسلام و با توجیه شرعی سنگسار شکنجه میدهد. رژیمی که حتی در

زندگی خصوصی مردم مداخله میکند، رژیمی که زنان را مأمرا از حقوق انسانی خود محروم کرده است. زن را هزار بار بیشتر از یک شتمه‌مرد مورد تیدیل کرد و است. و خود از طریق صیغه و موازین شرعی این طبع و مروج فحشا، غیر رسمی شده است، رژیمی که اقلیتها را مدعیین و طغیتهای تحت ستم را از حقوق خود محروم ساخته و زیر ستم بدترین فشار و آزار قرار داده است. زنان حامله و کودکان خردسال را اعدام میکنند کودکی که سن وصال را بجهنم جهنم می‌فرستد و از صید آنها صین عبور میدهد و برایش مهم نیست که هر روز چند صد و گاهی چند هزار تن در میدانهای جنگ کشته شوند. بر آستی که نظیر این ستم‌خواران انسانی و این فجایع ضد بشری را شاید تنها بتوان در روزهای سیاه سلطه کلیسا در قرون وسطا پیدا کرد و الا در قرن بیستم حتی در میان عقب مانده ترین جوامع نیز نمیتوان نظیر آنرا پیدا کرد.

بهر رو این اقدامات ضد مکرانیک ارتجاعی و ضد بشری رژیم، در مجموع شد بدترین فشارهای اقتصادی است توده‌های مردم، نه تنها موقعیت رژیم را مستحکم تر نکرد بلکه تمام اکثریت مطبقی از توده‌ها را با محاق با آن برانگیخته است، بنحوی که امروز در یکسوطبقة کارگر، دهقانان و روشنفکران اسلامی، کارمندان، اکثریت کسبه و پیشه‌وران، دانش آموزان و دانشجویان، در یک کلام اکثریت مطلق جامعه برای سرنگونی رژیم صف آرائی کرده‌اند و در سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی تنها امیرالکبیر جهانی بعنوان حامی از با صافه یک مشت استثمارگر و نپس در یوزگان رژیم سرمایه‌داران حزب توده و هیاتهای خائن اکثریت، این دشمنان سرگند خورده طبقة کارگر که بقا، نقیضشان را در گروهیات این رژیم می‌بینند، قرار گرفته‌اند اکنون با ورشکستگی مطلق رژیم در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، شرایط سرنگونی آن بیشتر فراهم میگردد. در چنین شرایطی تضاد های درونی رژیم که روند سرنگونی آنرا تسریع میکنند، مدام در حال تشدید بد شدن است. همین کشمکش که اکنون بر سر مجلس خبرگان و جان نشین خمینی خون آشام در جریان است در نظر بگیرید: جناحی از هیئت حاکمه میخواهد با انتخاب یک هیئت سه نفره نافرمانی خمینی موقعیت خود را در رون هیئت حاکمه مستحکم تر کند. بقیه در صفحه ۱۴





تولید اقتصاد سرمایه داری، اجتماعی شدن کار تحت انقیاد مالکیت خصوصی برابر تولید اجتماعی است. اجتماعی شدن کار در واقع آن سازمان جدید اقتصاد است که نقشی تاریخی دارد و به بخشی از وسیعترین آهالی جامعه یعنی طبقه کارگر، نقشی ویژه و متمیزین کنند عطا می نماید. با اجتماعی شدن طبقه کارگر به شاخه نیروی محرک این سازمان جدید اقتصاد داری، رسالتی انقلابی و تاریخ ساز میگردد تا آزاد ی خویش و جا معرف از قیود مالکیت خصوصی برابر تولید اجتماعی به دست آورد.

### پروژه اجتماعی شدن کار

پیشرفت تولید کالا فی ساد و گسترش آن به تولید مانوفاکتوری و تکامل مانوفاکتوری به تولید کارخانه ای با صنعت ماشینی، پروژه ای است که اجتماعی شدن هر چه بیشتر کار را فراهم می آورد.

تولید کالا فی کم روز بروزها زار مصرف خویش را گسترش میدهد و به هیچ مرزی در یافتن بازارهای جدید و ایجاد ضرورت های مصرف جدید نمیساند، بر اساس افزایش نرخ سود و با به عبارت دیگر، اکتساب هر چه بیشتر ارزش اضافی، تولید کالا های بیشتری را موجب میشود. رقابت سرمایه داران در فروش هر چه بیشتر کالا های تولیدی کسب بازارهای جدید و مقابله با مهارتات کارگری (برای کاهش ساعات کار، افزایش سطح دستمزدها و غیره) لزوم افزایش بار آوری کار را ایجاد میکند. افزایش بار آوری کار که بر مبنای محرک اساسی سرمایه داری برای تولید کالا، یعنی افزایش نرخ سود استوار است، مالا به افزایش سطح تولیدات منجر میشود. بارشده نیروی بار آوری کار، بر حجم محصولات که مصرف مقداری معینی ارزش و لذت حاوی اضافه ارزش نیز هستند، افزوده میشود (کاپیتال). برای افزایش بار آوری کار روند دست آوردن محصول بیشتر، پروژه های مختلف تولید یک محصول کامل تجزیه گشته و تولید یک جزء از یک محصول کامل به تولید جداگانه ای تبدیل میگردد. تولید تخصصی و جداگانه هر یک از اجزای یک محصول کامل که در ارتباط با هم صورت میگیرد و نهایتاً به تولید هر چه بیشتر آن محصولات استفاده از ماشین و بکارگیری هر چه بیشتر تکنیک ماشینی و ابزار آلات پیشرفته را ضروری میسازد. استفاده از ماشین سرعت چشم گیری به تولید هر چه بیشتر محصولات میدهد.

## اقتصاب

بقیه از صفحه ۹

انگلس در باره تاثیر بکارگیری ماشین - آلات پیشرفته در انگلستان میگوید: ۳۰۰۰ سال ۱۸۲۲ ماشین های نسو ظهور بسیاری نمی آمدند و محصول چشم سسال گذشته را نمی رستند، آنکله همه محصول مزبور در نتیجه کمبود کارگر میبایستی هنوز بصورت آماده نشد. همچنان بر جای میماند.

راه یافتن ماشین های تولیدی به پروژه تولید و آغاز صنعت ماشینی بزرگ و تقسیم شدن و تخصصی شدن پروژه های مختلف تولید محصولات، که در مجموع تولید هر بخش تخصصی و مستقل برای تامین کل نیاز جامعه صورت میگیرد، به اجتماعی شدن هر چه بیشتر کار منجر میشود. برای اینکه بار آوری کار انسانی که مثلاً برای تولید جزء کوچکی از یک محصول کامل بکار برد میشود، افزایش یابد، باید تولید این جزء کوچک تخصصی شده، به تولید جداگانه ای تبدیل گردد که بایک تولید کثیر در رابطه است و از این روستفاد از ماشین و غیره را ممکن (ضروری) میسازد. این یک طرف جریان است. ولی از طرف دیگر پیشرفت تکنیک در جامعه کاپیتالستی عبارت است از اجتماعی شدن کار و این اجتماعی شدن، ناگزیر تخصص عملگرهای گوناگون روند تولید و تبدیل آنها را عملگرهای پراکنده و منفرد که در هر واحد تولیدی مربوطه جداگانه تکرار میشوند، به عملگرهای اجتماعی شده ای که در یک کارگاه واحد وجود می تراکم گردیده و در رابطه با ارضای خواسته های تمام جامعه تنظیم گردیده اند، طلب میکند (لنین، در باره اصطلاح مسئله بازار).

پیشرفت تکنیک و بکارگیری ماشین جهت افزایش محصول و بار آوری کار که منتهی به اجتماعی شدن کار میگردد، تقسیم کار را هر چه گسترده تر میسازد. به این ترتیب توسعه اقتصاد کالا فی منجر به افزایش تعداد رشته های جداگانه و مستقل صنعت میشود، گرایش این توسعه بسوی تبدیل کردن نه تنها هر محصول جداگانه، بلکه حتی هر جزء جداگانه یک محصول و نه تنها ساختن یک محصول، بلکه هر یک از عملیات جداگانه آماده نمودن محصول برای مصرف، به یک رشته مخصوص صنعت میباید. در اقتصاد

کالا فی واحد های اقتصادی نا همگون بدیدار شده و تعداد رشته های جداگانه اقتصاد افزایش می یابد و تعداد واحد های اقتصادی ای که دارای یک واحد یا مشابه اقتصادی میباشند، کاهش می یابد. عامل اصلی پروسه پیدایش بازار داخلی سرمایه داری، همین رشد تصاعدی تقسیم کار اجتماعی است (لنین، رشد سرمایه داری در روسیه).

تقسیم کار اجتماعی، منجر به جدا شدن تولید کنندگان مستقل جامعه از تولید بلافاصله نیازهای اجتماعی و روزمره آنان میگردد. بدین ترتیب، تنها هنگامی تولید هر بخش مستقل برای ارضای نیازهای کل جامعه میتواند صورت گیرد که کار نقش اجتماعی یافته باشد. با گسترش تقسیم کار، حیات جامعه مستلزم کار اجتماعی کلیه پروژه های تولیدی است که مستقل از هم ولی برای هم صورت میگیرد. از این رو هر چند که در نظر اول تولید یک محصول کامل به بخشهای مستقل جداگانه ای تجزیه میگردد ولیکن در حقیقت در جهت اجتماعی شدن کار افزایش میدهد.

بدین ترتیب روشن میگردد که پروژه اجتماعی شدن کار صرفاً نه از این جهت که افراد زیادی را بصورت کارگر در یک محل بکار و امید آرد، بلکه بیشتر از این رونق مورد توجه است که تولید یک محصول کامل مستلزم کار بخشهای مختلف تولید در سطح کل جامعه است و از این طریق حیات جامعه نیز مستلزم همین کار اجتماعی است و کل جامعه در پیوندی ارگانیک با بخشهای گوناگون قرار دارد. اجتماعی شدن کار بوسیله تولید سرمایه داری این نیست که افراد در یک محل کار میکنند (این فقط جزء کوچکی از این پروژه است). بلکه در این است که تمرکز سرمایه همه را است با تخصصی شدن کار اجتماعی، با تقلیل تعداد سرمایه داران در هر یک از رشته های معین صنایع و تکثیر تعداد رشته های مخصوص صنایع و در این است که تعداد زیادی از پروژه های پراکنده تولید در یک پروژه اجتماعی تولید میخته میشوند. هر چند در پروژه های تولیدی جداگانه بیشتری از هم میبایند رشته های صنعت تخصصی تر میشوند، تعداد واحد های اقتصادی مشابه کاهش می یابد. اما نیاز هر بخش اقتصاد بوسیله بخشهای تولیدی افزونتر میشود. بقیه از صفحه ۱۰

## هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



# اعتصاب

بقیه از صفحه ۹

طبقات تابع و اطمینات جامعه و مناسبات اجتماعی حاکم است. طبقه کارگر بخاطر شرکت خود در تولید جمعی و از آنجا که تقسیم رشته‌های صنایع، آن کل ارگانیک بهم پیوسته وجود آورد است، طبقات در شکل متعارف خود نمیتواند جمعی مبارزه نکند. از طرف دیگر از آنجا که طبقه کارگر در نظام سرمایه داری از مالکیت بر ابزار تولید محروم میباشد، در مبارزه علیه سرمایه داری چیزی ندارد که از دست بدهد، بنابراین میتواند با شکالسی از مبارزه فروی آورد که ضرر به مستقیم به دشمن طبقاتی خویش وارد آورد. صرف نظر از اشکال عقب ماند هونا پخته مبارزه طبقه کارگر مثل برخورد های فردی بکار فرما، شکستن ماشینها و حتی در مواردی کم کاری و... که خود انعکاس مرحله معینی از رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی جامعه است، معمولترین شکل مبارزه طبقه کارگر اعتصاب میباشد. اعتصاب در حکم متوقف کردن زنجیر تولید بکری شسته تولیدی متحلی میشود. این شکل مبارزه عمدتاً تا انعکاس تقسیم کار اجتماعی و نقش پرولتاریا در سازمان این تقسیم کار و تمرکز سرمایه میباشد.

کارگران وقتی با دست از کار کنسپدن و توقف تولید اعتصاب میکنند، به سه صادگی درمی یابند که هر آینه متحد اعتصاب کنند در مقابلها سرمایه دار از چه قدرتی برخوردارند. بملاوه از آنجا که رشته تولید در یک کل ارگانیک، بهم پیوسته است اعتصاب در هر واحد تولیدی (بسر حسب اهمیت آن) تاثیر خود را بر سایر بخشهای تولیدی میبارد. در نتیجه در قدم بعدی، کارگران درمی یابند که در صورت اتحاد طبقاتی خود و باروی آوردن با شکال اعتصابی مبارزه از چه قدرتی عظیمی در مقابلها سرمایه داران برخوردار هستند. زمینه معینی این امر، تولید جمعی کالا در جامعه از سویی و تمرکز سرمایه در دست سرمایه داران، از سوی دیگر است. بدین ترتیب کارگران به نقش اعتصاب بعنوان یک سلاح مبارزه می میرند. همینکه آنها (کارگران) می بینند که هر یک به تنهایی هیچ قدرتی ندارند و در مقابل فشار سرمایه به تهدید بنا بودی میشوند،

در خود دارد، بلکه از آن جهت که حجم معینی از کار اجتماعی صرف آن گردید مطرح هستند. در این مرحله از تولید هر گونه نشانی از نقش فردی یا نوع مخصوصی از کار در محصولات تولید شده از میان برداشته میشود. آنچه که مهر خویش را بر کلیه محصولات و پروسه های تولیدی میزند نقش اجتماعی کار است. تولید ماشین بزرگی آخرین حرف سرمایه داری است. آخرین حرف که بیان پیشرفت اجتماعی و سپهر قهرقراضی آن است.

با تهدید مال نوفا کتور به صنعت بزرگی ماشین، سرمایه داری جامعه را از محیط بسته و محدود به یک کل واحد ارگانیک بدل میسازد و همزمان طبقاتی را سازمان میدهد که این طبقه با کار خویش کل حیات جامعه را تحت الشعاع قرار میدهد. تمام نعمات و احتیاجات زندگی و تولیدات جامعه توسط کار این طبقه بوجود می آید. از سویی تولیدات جامعه در شکل جمعی توسط طبقه کارگر بوجود می آید و از سوی دیگر ارزشهای تولید شده توسط سرمایه داران تصاحب میشود. مالکیت بر ابزار تولید خصوصی باقی میماند و سرمایه هر چه بیشتر متمرکز میگردد و کار اجتماعی شدت میبیش از پیش با مالکیت خصوصی بر ابزار تولید در تناقض آشکار قرار میگردد. اجتماعی شدن کار منجر به هر چه آشکار تر شدن روابط اجتماعی موجود بین طبقات جامعه شد، و اهمیت انگل کون سرمایه داران را آشکار میکند، نقش حیاتی طبقه کارگر را در تولید اجتماعی مشخص گرداند و آنان را به ایفای نقش تاریخی خویش رهنمون میسازد. لنین در این باره میگوید:

«همانگونه که مارکس میفهمید در حقیقت کار انقلابی و مترقی سرمایه داری این بود است که همزمان با اجتماعی شدن کار طبقه کارگر از سازمان میدهد، متحد میکند و منضبط میگرداند، از طریق همین مکانیزم آنها را برای مبارزه تربیت میکند. این «مورثی» سازمان میدهد، آنها را متحد میکند که از مصادره کنندگان مصادره کنند، قدرت سیاسی را بدست گیرند و وسایل تولید را از دست تعداد قلیلی از قاصبین، خارج کنند و آنها را با جامعه بگردانند (دوستان مردم کیانند).

تضاد بین کار اجتماعی با تمرکز خصوصی سرمایه، اساسی ترین عاملی است که طبقه کارگر را بخاطر اوضاع فلاکت بار معیشتی به میدان مبارزه می آورد. اشکال مبارزه طبقه کارگر نیز

لنین در این باره میگوید: در هر رشته از صنایع که اکنون دیگر جنبه تخصصی آن بیشتر شده است، تعداد سرمایه داران بطرز روز افزون تقلیل می یابد. از اینجاست چنین نتیجه میشود که رابطه اجتماعی بین مولدین روز بروز محکمتر میشود.

در یک کل واحد مجتمع میشوند. مولدین کوچک منقرض، در آن واحد هر کدام چند عمل انجام میدادند و بهمین مناسبت نسبتاً از یکدیگر مستقل بودند. مثلاً اگر پیشه‌ور خویش کتان میکاشت، خودش نخ ریسی میکرد و می بافت، این شاخص تقریباً از سایرین مستقل بود... و اما در شرایط اجتماعی شدن کار که در اثر سرمایه داری بدست آمده است - اوضاع بکلی شکل دیگری بخود میگردد. کارخانه در تولید کنند هیا رجه وابسته به کارخانه در تولید کنند نخ است، کارخانه در اخیر وابسته است به سرمایه دار کشتکاری که پنبه کاشته است و نیز به صاحب کارخانه ماشین سازی و صاحب معادن ذغال سنگ و غیره و غیره و نتیجه حاصله این میشود که هیچ سرمایه داری نمیتواند از سرمایه داران دیگری نیاز باشد... بدین طریق جمع تولید به یک

پروسه تولید اجتماعی واحد مجتمع میگردد و حال آنکه هر تولیدی بتوسط یک سرمایه دار جداگانه اداره شده تابع اراده مطلق اوست و محصولات اجتماعی را در مالکیت شخصی او قرار میدهند. (دوستان مردم کیانند)

با اجتماعی شدن کار و تقسیم شدن تولیدات به رشته صنایع تخصصی و بکارگیری مجموعه ای از ماشین آلات پیشرفته در تولید، نیاز به مهارتها و تجربه استادکاران همه فن حریف از بین میرود و جای خود را به تخصصی شدن کار میدهد. کارگران را از مناسبات و روابط سنتی گذشته خود جدا کرد و آنان را در زیر سقف

کارخانه‌ها مجتمع میسازد. طبقه کارگر، قدم بقدم، از سومات گذشته خود میبرد و اما در این فرهنگ نوینی میگردد. بملاوه با اجتماعی شدن کار و تخصصی شدن رشته‌های تولید، پس از این، کالای تولید شده دیگر شمره کار مشخص رشته معینی از تولید نمیشود، بلکه کالای تولید شده شمره کار اجتماعی به مفهوم عام کلمه در سطح جامعه میشود. کاربرد آن درجه اجتماعی میشود که محصولات تولید شده، هنگامیکه به بازار می آیند، نه از آن جهت که نوع بخصوصی از کار را

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر





# خطاب به مبلغان (۷)

## شناسایی مردم

در شناسایی مردم عوامل ثابت محیط پخش بطور کامل مورد بررسی و شناسایی قرار میگیرد - خیابانها، کوچهها، دست اندازها، راههای فرار، مکانهایی که به محل پخش مسلط است یا سگها، گمبتهها و سیاه، خرابهها و محللهای احتمالی جهت مخفی شدن و... تمامی عوامل محیطی بدقت مورد شناسایی قرار میگیرد. شناسایی مردم در هر ساعتی از روز قابل اجراست.

شناسایی زنده: در شناسایی زنده عوامل متغیر محیط پخش مورد بررسی و شناسایی قرار دارد. اولین کار در مورد شناسایی زنده بررسی محیط در ساعات مختلف و انتخاب وقت مناسب پخش است. در این رابطه فاکتورهای متفاوتی عمل میکند. مثلاً برای پخش در جلوی یک مدرسه مسلمانان تنها ساعات مناسب موقع ورود دانش آموزان یا خروج آنها و یا احیاناً زنگ تفریح است (که از بالای دیوار به داخل مدرسه ریخته شود) در این رابطه تنها امکان انتخاب مابین دو ساعت ورود و خروج است که باید در نظر گرفت. آنکه دانش آموزان در هنگام ورود به مدرسه مکان بردن اعلامیه به داخل راه شکل محدودی دارند در صورتیکه پس از خروج اعلامیه را به میان خانوار ه خود نیز میرسانند وقت خروج انتخاب میشود. یا در رابطه با کارخانهها نیز همینطور اما در رابطه با پخش در یک محله امکان انتخاب گستردهای موجود است که با در نظر گرفتن سایر عوامل موجود مثل شلوغی و رفت و آمد، گشتی های مزدور رژیم، امکان خروج از محله و امکان توجیه حضورمان در محل و... باید وقت مناسب انتخاب شود. بهر صورت پس از انتخاب ساعت مناسب جهت پخش بقیه شناسایی زنده را انجام میدهم. قابل تاکید است که شناسایی زنده باید در همان ساعت پخش (در روزهای قبل از پخش) انجام شود. در شناسایی زنده رفت و آمدها، ترافیک ماشینها، گشتی ها، دستفروشها، دوره گرد ها، قشربندی افراد موجود در محیط و سرو وضع ظاهری آنان و... تمامی عوامل موجود در محیط دقیقاً مورد بررسی قرار میگیرد. با این معلومات برنامه ریزی دقیق پخش انجام میشود. شناسایی باید توسط خود رفقای تیم پخش انجام شود.

بیشتری نمود زیرا اولین مورد سوال خواهد بود و در صورتی که علت قابل قبولی ارائه نشود سریعاً شک ایجاد میشود توجیه علت حضور باید با آدرس محل زندگی هماهنگی داشته باشد زیرا اگر فیکس در روزها قرار مدعی شود به خرید می رود اما در روز منزلش را در خیابان تاج بدهد طبیعی نیست مگر آنکه آدرس توجیهی بی از آشنایان یا دوستانش را در همان حوالی بدهد یا بد نبال خرید ویژه ای باشد که بیشتر در آن منطقه یافت میشود مثلاً در میدان حسن آباد مرکز فروش کاموایا وسایل آشپزخانه است و میتوان مدعی خرید این اجناس شد. همچنین مطب در کمتر مشخصی را در نظر قرار دهید و به قصد رفتن به آنجا در محل توزیع حرکت کنید اینگونه توجیهات عمدتاً در روز مناسب است و برای شب باید توجیهات دیگری یافت.

مناسب با شیوه لباس پوشیدن مردم منطقه توزیع وضع ظاهری خود را انتخاب کنید این مورد در باره رفقای دختر بیشتر باید رعایت شود فعلاً چسار در بهترین پوشش است اما آن نیز در تطبیق با محیط مناسب است.

با اطلاع رفیق هم هسته، هم اتاق یا مسئول خود محلی را برای گذاردن علامت سلامت تعیین کنید. بعد از پایان توزیع باید در آن محل علامت تعیین شده را بنویسید. اگر علامت زده نشود یعنی دستگیر شده آید. در صورتیکه آدرس پاکسی برای ویروشدن یا مزدوران ندارید میتانید با هم اتاق یا خانوار ه خود در صورت اطلاع از وضع شما قرار بگذارید که اگر تا ساعت مشخصی برنگشتید باید خانوارا کاملاً پاک کنند در غیر این صورت رفیق هم هسته یا... بعد از زدن علامت سلامت باید اقدامات لازم را در جهت پاک کردن منزلتان بعمل آورد. نداشتن آدرس اینک بزرگترین جرم است از این رو بکوشید حتی الامکان آدرس جهت ارائه داشته باشید.

در تمامی شیوههای پخش بخاطر داشته باشید هرگاه خطری ایجاد شد امکان تعقیب، امکان دستگیری، خیابان گردی و... اولین عمل که باید در موقعیت مناسب با تصمیم سریع انجام شود و در گردن اعلامیهها زخود است. اگر با مو توری در سرا اولین پیچ، اگر پیاده آید در پس اولین در یوار اعلامیهها را از خود دور کنید.

مساله دیگری که در تمامی شیوههای توزیع مشترک است عمل شناسایی نهایی است. شناسایی نهایی یعنی باز دید مجدداً محل و کنترل وضع موجود با شناسایی های انجام شده هموار باید قبل از پخش (مثلاً یک ربع یا نیم ساعت قبل از محل را دوباره از نظر موقعیت کنترل کرد تا احیاناً حوادثی چون ماشین گردی...



# خطاب

بقیه از صفحه ۱۱

تصادف و اجتماع مردم، در زدی از یک خانه و حضور پلیس، کندن یکی از گوجه‌ها و... باعث نشد مباحثه در شناسایی تغییر نماید و پخش عوض شود در شناسایی نهایی در صورتیکه فاکتورهای تغییر کرد نبود که امکان عمل پخش با کمی تغییر موجود است (مثلاً کوچکتر از آنرا کند مانند اما کوچک‌پهلوی آن در آرای وضعیت مشابه است) پخش انجام میشود در غیر این صورت پخش انجام نخواهد شد (مثلاً حضور پلیس در محیط...)

عمل توزیع: در رابطه با شیوه‌های توزیع به طرح چند شیوه توزیع مخفی میرد ازیم. یار دیگر تا کنید می‌کنیم که این تمام ماجرا نیست بکارگیری ابتکار و خلاقیت در این مورد قادر خواهد بود شیوه‌های بسیار متنوع و قابل استفاده‌ای را در شرایط مشخص ایجاد نماید.

۱- توزیع از طریق پست: در شرایط کنونی بکارگیری پست (بخصوص پست شهری) جهت ارسال بیانیه‌های سازمانی (در اینجا هرگاه سخن از بیانیه می‌رود منظور اعلامیه، تراکت و هر متن تبلیغی دیگر است) برای کارگران و زحمتکشان یکی از پسر ضررترین و کم خطرترین شیوه‌هاست. این امر هر گاه بشکل برنامه‌ریزی شده و مستمر انجام شود قادر است به تیراژ بسیار وسیعی دست یابد. اولین گام در این شیوه شناسایی آدرس کارگران و زحمتکشان است. در ابتدا می‌توانیم آدرسها را از میان محلات کارگرنشین و زحمتکش نشین برگزینیم اما در مراحل بعدی با شناسایی های دقیق تر سعی می‌کنیم در عین حال اولویت به کارگران نیرومورد سایر اقشار توده‌ای اولویت را به جوانان و آنان که مخالف رژیم هستند بدسیم. در این شیوه باید بکارگیری برنامه‌ریزی شده نیروی میان در آن جهت بکشیم که به صد ها آدرس از کارگران و زحمتکشان دست یابیم و قادر باشیم صدای سازمان را از این طریق با سرعت بخش آنان برسانیم. برای شناسایی آدرس ابتدا محلی را از نظر قشر بندی ساکنان محل انتخاب میکنیم سپس کافیت نام خیابانها و کوچه‌های آن محل را به همراه شماره پلاکهای کفر هر کوچه موجود است داشته باشیم مثلاً کوچه گلشن از پلاک ۳۲ تا ۸۶ را در آراست و... مرحله اول شناسایی قیاس همین جا ختم میشود. در عین حال میتوان آدرس های کارگران کارخانه، کارمندان اداره و... را با شیوه‌های مختلف (و از جمله تعقیب آنها) به دست آورد مسلماً این شناسایی ها که با تمام فاصله همراه است کامل تر و کاراتر است. در عین حال که میکوشیم محلات مختلفی را شناسایی کنیم جهت جلوگیری از زلوفتن باید ضوابط زیر را بکار بندیم.

یکبار به باریک محله را شناسایی کنید و افزایش ندهید مثلاً یکبار به برای محله مختاری در هفته... اعلامیه

نفرستید زیرا تغییر رنگهانی حجم پست امکان لورفتگی را افزایش میدهد. برای يك خانه در صورتیکه تعداد اعلامیه‌ها زیاد است (مثلاً هفته‌ای یکبار) بشکل متناوب اعلامیه ارسال کنید زیرا بخصوص در محلات زحمتکش نشین تعداد زیاد پست غیر عادی است. از یادگها و دستخط های متنوع و حتی شیوه نگارش آدرس و جسد تعبیر متنوعی استفاده کنید. پاکتهای مربوط به یک محله را در رصد و قهای پستی متفاوت و در روز های بیند ازید.

برای ارتباط هر چه نزدیكتر با زحمتکشان میتوان در روزهای ویژه‌ای چون عید، سالروز قیام و... کارت و پیام تبریک برای آنها ارسال کرد و یا بناسبت سالروز یا جهلم شهادت انقلابیون که شهرت عمومی دارند یا هم محل وهم گناه دریافت کنند مانند تجلیل نامه کوتاهی فرستاد و.

۲- توزیع از طریق نیروهای واسط: میتوان با شناسایی نیروهایی که تشخیص میدهم آرای ظرفیت پخش هستند تعدادی بیانیه بصورت غیر مستقیم در اختیار آنان قرار دهم. این شیوه در مقوله توزیع بین نیروهای پیشرو شرح داد شد تنها باید توضیح داد که در اقشار میانی توده‌ها نیز نیروهای مخالف رژیم قادر به انجام این عمل هستند جهت این امر ۳الی بیانیه را به همراه رهنمود بسیار مختصری در مورد لزوم پخش بیانیه ها به هر طریق ممکن، در خانه آنها انداخته شود یا برایشان ارسال کرد.

اگر این شیوه و شیوه توزیع پستی بشکلی وسیع و سازمان یافته بکار گرفته شود آریسوتیراژ وسیعی از بیانیه‌های سازمانی بدست توده‌ها میرسد و از سوی دیگر رژیم قادر نخواهد بود هر کس را بخاطر داشتن يك اعلامیه دستگیر نماید و داشتن يك بیانیه را دلیل بر ارتباط تشکیلاتی بدانند.

۳- توزیع پیاده: این نوع توزیع را میتوان به شکل جمعی و در صورت عدم امکان بشکل فردی انجام داد. در توزیع یک نفره رفیق توزیع کنند خود وظایف حمل اعلامیه و توزیع و مراقبت را به عهد دهد. در توزیع دو نفره يك رفیق مسئول حمل و پخش اعلامیه و رفیق دیگر مسئول مراقبت است. در صورت وجود يك تیم سه نفره رفیق سوم انبارد ارویا حمل کنند. اصلی اعلامیه خواهد بود. در صورت وجود تیمهای منسجم و با تجربه بکارگیری حمایت و مراقبت مسلحانه در توزیع ضروری است که در این شرایط عموماً رفقای مراقب مسلحند.

انبارد رفیقی است که اعلامیه‌ها را نگه داشته حمل و نقل میکند. انبارد رفیق رفیق توزیع را طی نمی‌کند بلکه تنها هر مدت یکبار در سر قرارهای مشخص اعلامیه‌های جدید را به رفیق میدهد. در عین حال انبارد ارو شخص توزیع کنند همواره قرار ثابتی در محلی در ورترا از محیط پخش دارند تا در صورت کم کردن یکدیگر در آنجا همدیگر را ببینند و حرکت را ادامه دهند. اعلامیه‌هایی که در نزد انبارد آراست باید تا شده و کاملاً آماد پخش باشد اعلامیه‌ها باید در جاسازی‌های مطمئن و کاملاً طبیعی (در بدن و یا در وسایل) قرار داشته



# خطاب

بقیه از صفحه ۱۲

باشد . رفقای د ختر بعلمت پوشش های مناسب تر و توجیهات مختلف برای حمل بسته و کیف و ساک برای انبارداری مناسب ترند . انبارداری باید قبل از رسیدن به سر قرار اعلامیه ها بی را که باید به رفیق توزیع کنند بعد هند آما د مسازد تارد وبدل کردن در کوتا هترین زمان انجام شود . رفقا باید با هم علامتی را ( مثل خاراندن سر ) قرار بکنند تا در صورتیکه اعلامیه های قبلی بهر دلیل پخش نشده بود و لزومی بهر د وبدل کردن اعلامیه نبود رفیق انبارداری باید آن علامت د بتر بار رفیق توزیع تماس بگیرد و قرار بعد ی را اجرا نماید .

توزیع کنند مه اید زیر دستترین ووزید هتترین رفیق تیم باشد که از تحرك بدنی وسرعت انتقال بیشتر ی برخوردار است . توزیع کنند هحتی الامکان

باید از نظر محل زندگی در ای مناسب ترین توجیه بود ه محل زندگی اش کاملا پاک باشد .

در توزیع های ویژه که لازم است اعلامیه زیاد ی پخش شود اما رفیق انبارداری وجود ندارد میتوان از انبارهای " طبیعی " در محلات چون کنار خرابه ها ، داخل ظرفهای زباله ، درون جمعیهای مجالهد ه در کنار خاکروبه ها و . . . استفاد ه کرد .

مراقب ، رفیقی است که از فاصله معین محیط را زیر نظر دارد و در صورت ایجاد خطر با علامتی که از قبل مشخص شده ( سرفه ، سوت و . . . ) به توزیع کنند ه خبر میدهد . در شرایط کنونی برای شکل حرکت مراقب و توزیع کنند ه نمیتوان قواعد کلی طرح کرد میتوان رفیق مراقب در کلوبه فاصله چند متر حرکت کند وبدن خود را حائل سازد رفیق پخش در پشت سر او اعلامیه ها را در منازل بیند ازد ( در این شرایط اگر مراقب رفیق د ختری یا چادر باشد مناسبتر است ) این شکل عمل برای کوجه های بن بست بسیار مناسب است ( پخش از ته کوجه شروع میشود ) شیوه های دیگری نیز برای پوشاندن يك کوجه موجود است مثلا رفیق ازد و سر کوجه شروع به پخش میکنند در صورت بروز خطر برای یکی از رفقا بسوی رفیق دیگری میرود و با هم فرار میکنند . یا از وسط کوجه از هم جدا میشوند بسرعت تا تبه کوجه حرکت میکنند وسپس پخش را بسوی هم آغاز می کنند و . . . این شیوه ها به ابتکارات و ویژگیهای مشخص محل بستنی دارد . در صورتیکه پخش محلی الزامات برای انداختن در خانه ها پیدا ه صورت بگیرد اگر رفیق مراقب موتور سوار باشد جهت فرار دادن رفیق پخش بسیار مناسب است .

در شرایط حمایت مسلحانه رفیق یا رفقای مراقب مسلح خواهند بود رفقا در این شرایط در عین ایفای نقش مراقب در صورت بروز خطر ابتدا طرح فرار را اجرا می کنند یعنی رفیق توزیع فرار میکند ، رفیق مراقب در عین حمایت از او سعی

میکند از محیط خارج شود در این شرایط ( که هنوز خطر کاملا جدی نیست ) درگیری الزامی نیست . در صورت بروز خطر جدی یعنی سوال وجواب از رفیق توزیع یا ایست دادن به او . . . رفیق مراقب چون در فاصله دورتری است کاملا دارای آزادی عمل است تا بهترین موقع درگیری را انتخاب نماید تا بتواند مزدور انرا کاملا غافلگیر سازد رفیق توزیع باید بر حسب شرایط فرار نماید و یا به مصلحت سلاح مزدور ان وتند اوم درگیری ببرد ازد . در مراقبت مسلحانه کاملا باید وقت نمود تا درگیری غیر لازم پیش نیاید . مثلا فالانزیا شخص متعصبی جلوی رفیق را میگیرد که با احتی میتوان با توجیه ، حروبحث و یا حد اکثر زدن يك ضربه و فرار مسالهاحل کرد در این شرایط درگیری کاملا غیر ضروری و غلط است . در مراقبت مسلحانه از پخش بیاد مرفقا عموما کافسی است به سلاح کمربونارنجک ( در صورت نبود نارنجک سلاح کمربونارنجک ) مسلح باشند . رفقای مسلح باید کاملا تعلیم دیده و کارآموز باشند .

۴- توزیع موتوری : جهت توضیح این شیوه بهتر دیم خلاصه ای از جزوه توزیع موتوری را که توسط حوزه ای از تیمهای پخش موتوری سازمان یا تکیه بر تجارب طولانی در این امر تهیه وتدوین شده است را نقل کنیم . در این رابطه حتی مواردی چون شناسایی راه رچند قبلا توضیح داد ه ایم بعلمت استناد به وجوه مشخص آن در این جزوه نقل مینماییم

" شیوه پخش موتوری یکی از اشکالی است که میتوان در شرایط حاضر از آن سود جست . این شیوه که از تحرك فوق العاده ای برخوردار است میتواند شکی از حرکت باشد که در صد خطرا به مراتب کمتر کرد ه و هر چه گسترده تر پخش نماید . این شیوه یکی از طرق حرکتی است که در گذشته یعنی قبل از قیام در برنا مه سازمان بود ه و این وظیفه مهم را چریکهای شهری به عهد همی گرفتند . تجربیاتی که از این شیوه پخش بدست آمد ه نشاندهنده بازدهی فراوان ، خطر کم استفاد ه از کمترین افراد وسریع بودن ان میباشد . وقتی پخش انجام میشود هنوز کسی متوجه پخش نشد مرفقای ما محل پخش را ترک کرده اند ( در جلوی بعضی از کارخانه ها که افراد مسلح هم وجود داشته اند موقع پخش بعلمت سریع بودن حرکت آنها هیچ عکس العملی نداشتند ) .

مشخصات يك هسته موتوری : هسته موتوری از د و نفر تشکیل میشود هسته برای پخش احتیاج به يك موتور دارد . موتور هوند ۲۵۰ اگر بعلمت جهش خوب و دارای سوپاپ ( که در تابستان گرم نمی کند ) مناسب است ، هر يك از رفقای هسته

موتوری باید مشخصات زیر را داشته باشند - هر دو رفیق موتور سواری را خوب بلد باشند - از لحاظ تحرك بدنی اما دنی کافی داشته باشند . - از لحاظ مسائل امنیتی تصفیه وود بتر موارد را بلد باشند . - رفقای هسته باید تا حد ممکن بتوانند خونسردی خود را حفظ کنند ( این مساله در موقع پخش میتواند کمک بسیار زیادی نماید چون در موقع پخش امکان تصادف ، گیر کردن در راه بندان ، یا تعقیب شدن توسط موتور و ماشین وجود دارد و اگر رفقا در آن لحظات نتوانند خونسردی خود را حفظ کنند باعث دستگیری آنان میشود . )

بقیه از صفحه ۱۴



### نوازنامه

بقیه از صفحه ۸

حنا حی در بگریخواهد بسا  
گماردن امثال منتظری بجای خمینی  
بر حناح در بگرفائق آید ، اولی خواستار  
تشکیل هر چه فوری تر مجلس خبرگان  
و جان نشینی خمینی است ، دومی در  
تلاش برای به تمویق انداختن آن بسا  
تبدیل آن به یک نهاد هیچگاره رژیم  
است . بهر حال تردیدی نیست که  
با گسترش نافرمانی و اعتلاء صارتات  
تودهای این تضاد ها نیز مدام تشدید

خواهد شد . رژیم ورشکسته و رمانده  
جمهوری اسلامی که با بحران اقتصادی  
و سیاسی موجود خود را در یک مخمصه  
عظیم گرفتار میبندد ، تساراجاره  
خود را در راه جنگ و تلاش در جهت  
انحراف توجه توده ها و بحران بسا  
خارج از مرزها ، با توسل بصیاست  
کشورگشائی و توسعه طلبی و ایجاد یک  
دولت دست نشانده مرتجع نظیر  
خودش در عراق ، با فتنه است . اما  
این نیز در بگریگارساز نیست . هر چه  
جنگ بیشتر ادامه پیدا کند ، رژیم  
بیشتر در منجلاب سقوط فرو خواهد  
رفت . چرا که :  
توده ها از جنگ بیزارند ، آنها

طالب صلح اند ، توده ها از اختنا  
نفرت دارند ، آنها خواستار آزاد  
هستند . توده ها ز فقر ، بیگاری و گران  
بتنگ آمدند ، آنها خواستار کار  
ارزانی ، رفاه و بهبود شرایط مادی  
خود هستند . اما صلح ، آزادی و  
رفاه اجتماعی تنها با سرنگونی رژیم  
جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری  
د مکراتیک خلق میسر است . کارگران  
د هقان و تمام نیروهای انقلابی  
جامعه تنها یک راه برای نجات جامعه  
از فحایمی که رژیم بهار آورده است در  
پراپر خود دارند و آن سرنگونی قهر  
امیر رژیم جمهوری اسلامی است .  
هیچ راه و چاره دیگری وجود ندارد .

### سرمایه داری وارد آورد .

بر پایه این تاثیر عمومی و گسترده  
اعتصاب بمنوان سلاح پرولتاریا ،  
میتوان به نقش آن در تصویق بحرانهای  
سرمایه داری پی برد . اعتصابات که  
خود منتج از نارسائی ها و بحرانهای  
نظام سرمایه داری است ، بنوع خود  
بحرانها را شدت میبخشد . ارتباط  
بخشهای تولیدی جامعه میبندد بگر ،  
باعث میشود که وقوع هر اعتصاب در  
هر بخش ، سایر بخشها را در آن بگری  
سازد ، سرمایه داران را بهم نزدیک  
کرد و طبقه کارگر را که در پیرو سه مبارزه  
بملروم وحدت خویش پی برد ، منسجم

ترو متحد تر کرد اند . بدین ترتیب  
مبارزات مستقل کارگری و خصوصاً  
اعتصابات ، مناسبترین محل برای  
برود آگاهی سوسیالیستی بدرون  
طبقه کارگر و صلح شدن کارگران به  
آگاهی طبقاتی است . اعتصاب به  
شابه " مدرسه جنگ " به طبقه کارگر  
اصول جنگ را آموزش میدهد .  
پرولتاریا که میخواهد بچنگ قطعی  
بانظام بهره کشی سرمایه داری برود  
بدون شک باید به آگاهی طبقاتی  
دست یافته و قوانین جنگ طبقاتی و  
رهبری آنرا بهیاموزد . اعتصاب ،  
مناسبترین و طبیعتی ترین بستر برای  
آماد شدن پرولتاریا برای جنگ است .

### اعتصاب

بقیه از صفحه ۱

دست بشورش جمعی علیه  
کارفرمایان میزنند . از اینجا اعتصاب  
کارگران شروع میشود . ( لنین ، در  
باره اعتصاب ) . طی یک سلسله از  
اعتصابات ، پرولتاریا به برندگی ،  
کارائی و اهمیت این سلاح مبارزاتی  
واقف میشود . اعتصاب کارگران که  
بر زمینه کار اجتماعی شده ، انعکاس  
عمومی می یابد ، چون سلاخی برنده  
میتواند ضربات اساسی بنسظام

### خطاب

بقیه از صفحه ۱۳

رهنمود : رفقای هسته میتوانند برای آماده شدن  
جهان لحاظ موتور سواری و وجه قدرت بدنی تعریفات  
زیر انجام دهند . با موتور به خیابانهای شکوفا  
بروید و از لایبای ماشینها عبور کنید و سعی نماید  
پایتان را بر زمین نگذارید ( مثلاً قرار بگذارید مدت  
۳۰ دقیقه موتور بزنید بدون آنکه توقف کنید )  
د ونفری در نیال یک اتوبوس بروید و طوری سرعت را  
تنظیم کنید که فیک پشت سرتواند نیم خیز شود  
و بسته فرضی اعلامیه را بد اخل اتوبوس بیندازد .  
از نظر بدنی رفقا باید بتوانند خوب بدوند و باید  
بطور منظم ورزش کنند . از نظر بدنی رفقا باید  
آنقدر آماده باشند که بتوانند سه عمل زیر را خوب  
انجام دهند ، خوب بدوند ، خوب بدوند ، خوب  
بدوند .

موارد چگونگی بخش بوسیله هسته موتوری :  
۱- بخش کارخانه : بخش کارخانه معمولاً به  
این صورت است که رفقا با موتور از جلوی در کارخانه  
( و یا نزدیک آن ) رد میشوند و پس از بخش در بین  
کارگران از محل خارج میشوند خود عمل بخش شاید  
سهالی چهار دقیقه ( معمولاً یک دقیقه ) طول  
بکشد برای اینکه بخش دقیق باشد باید مسائل  
فراوانی را در نظر داشت . برای توضیح این مسائل  
عمل بخش را به سه مرحله تقسیم میکنیم . الف -  
مراحل پیش از بخش ب - مراحل بخش ج - مراحل  
بعد از بخش .

الف - مراحل پیش از بخش خود شامل  
شناسایی و کشیدن کروکی ، بسته بندی و تازدن  
اعلامیه ، آمادگی هسته برای بخش میباشد .  
شناسایی و کشیدن کروکی : این مرحله از  
اهمیت بسیاری برخوردار است و تا حد ممکن باید  
د دقیق باشد . شناسایی باید آنقدر دقیق باشد که  
وقتی کسی آنرا مطالعه میکند احساس کند که خودش  
محل را دیده است . در شناسایی محل بخش باید  
د و مساله مورد توجه قرار گیرد ، موقعیت مکانی :

محل در کدام منطقه قرار دارد ، راههای ورود و  
خروج منطقه چگونه است ( به کوجه های بن بست  
توجه شود ) ، درهای ورودی کارخانه کدام است  
( از کدام در بخش بهتر صورت میگیرد و میتوان  
بهتر از محل خارج شد ) ، در محل کمیته یا مقر  
نیروهای دولتی وجود دارد ، برجهای مراقبت  
کارخانه در کجاست ، موقعیت زمانی : بعد از

بررسی موقعیت مکانی منطقه ( که میتواند در هر  
موقعی انجام شود ) نوبت بررسی محل در زمان  
بخش میرسد ، بهترین ساعت برای بخش چه موقع  
است ؟ ، مثلاً کارگران از ساعت ۲ تا ۲/۵ از  
کارخانه خارج میشوند باید ساعتی را انتخاب کنیم  
که از در حمام در محل بخش از هر زمان بیشتر باشد و  
امکان پاره شدن وهد رفتن اعلامیه ها به حد اقل  
برسد . معمولاً این ساعت در دقایق اولیه خروج  
کارگران انتخاب میشود و گرنه اکثر آنها از محل  
خارج شده موفق به دیدن اعلامیه نمیشوند .  
- باید محل از نظر امنیتی د قیقا بررسی شود

بقیه در صفحه ۳





## توضیح و پوزش درباره مقاله اعتصاب عمومی سیاسی

اصلاحی را در پی داشت. تصد اوم  
اعتصابات پس از برقراری حکومت  
جمهوری اسلامی، در قیقا تصاد بارور  
شده در دوره قبلی را آشکار گردانید،  
اما توان اعتصابات در آن دوره -  
نتوانست در جهت اعمال با برادر  
مطالبات کارگران وتود مه‌ای زحمتگر  
قرار گیرد.

از سال ۵۷ به اینسو، توده‌های  
کارگر در مبارزات آبدید متر شده و  
آگاهی طبقاتی آنها به اندازه بسیار  
سال کار آراء، ارتقاء یافته است.  
از طرف دیگر، خرد مهور ووازی سنتی  
که در آن زمان وسیعاً در جنبش  
شرکت داشت وتا حدودی آغازگر  
آن بود بهیچوجه توان مبارزاتی  
سابق را در انمیشا شد (علل آن در  
اینجا مورد نظر نیست) ، بنا بر این  
شرایط جدید، زمینه‌های عینی

رهبری طبقه کارگر را پیش از هر زمان  
در بگرد رخود نهفته دارد، اگر چه  
ممکن است که در سطح قضا یا نایمان  
نباشد. اگر تا سال ۵۷، دانشگاه  
وبازار بعنوان کانونهای مبارزاتی  
خود را شناسانده بود، اکنون،  
کارخانه قلب تپنده انقلاب است.

البته در پاسخ این سخن ما ممکن  
است گروهی با برخوردی ایستا به  
مبارزه طبقاتی بروند آن، امر رهبری  
پرولتاریا در انقلاب کنونی بسخره  
گیرند و بگویند: طبقه‌آمار کی ندارد،  
سازمان ندارد، هر اعتصاب و اعتراض  
با دستگیری و اخراج کارگران آنگاه  
مواجه شده و از ابتراه مرتباتوان  
مبارزاتش فرسود همیشود. نیروهای  
سیاسی طبقه‌متشخت، ضربه خورده و  
سردرگم اند. حال آنکه مکرراتهای  
انقلابی ولیبرالها از نقطه نظر توازن  
طبقاتی در موقعیت بهتری قرار دارند.  
باید سر بر استان رهبری آنها سائید،  
چاره‌های دیگر جز انزوا در پیش نیست.  
اماد در مقابل، برخورد انقلابی و پویا  
به مبارزه طبقاتی بروند آن از سطح به  
عمق میروند، آنچه که اکنون چشم  
می‌آید، به تمام مراحل مبارزاتی که در  
پیش است تعمیم نمی‌دهد. روند  
مبارزات و اعتصابات را از بعد از قیام  
تا بحال در نظر بگیرد، مطالبات را  
تجزیه و تحلیل میکند، وتوان بالقوه  
طبقه کارگر را برای امر رهبری با شرایط  
عینی موجود که این امر را ممکن میگرداند،  
در نظر گرفته، بقیه در صفحه ۱۶

که تود وها بصورت شوراهایی می‌برند،  
وقتی که کنترل کارگری (هر چند محدود  
و هر چند موقتی) در کارخانه‌های  
اعمال میشود، (تجربیات سال ۵۷ و  
پس از قیام) ، وظیفه رهبران نیست  
که بعد لیل ناقص بودن موقتی بودن این  
گونه مطالبات، تود وها را از آن دور  
گردانند. برعکس، وظیفه رهبران این  
است که این مطالبات را تبلیغ کرده و  
هر چه بیشتر تود وها را گردانند، و در -  
ضمن تجربه‌های روزمره، علل ناپایداری  
بمعل در آوردن این مطالبات را در  
چارچوب نظم موجود، توضیح دهد و  
ضرورت شکستن این چارچوب و ضرورت  
رهبری پرولتاریا در انقلاب به توده‌ها  
پشتانساند. این امر درست است که  
گمونیستها در صدرا اختراع یا تحصیل  
اشکال نوینی از مبارزه نیستند ولی آنها  
هر جا که زمینه‌های ظهور نطفه‌های  
اشکال متکامل تری را تشخیص دهند  
بر آنها باید تاکید ورزند.

اکنون، با تجربه‌های کارخانه‌گر  
شوراهای، کنترل کارگری و توده‌ها  
در جریان مبارزات خود کسب کرده  
اند، اینگونه مطالبات چیزی در  
دور دست نیستند، مطالبات سیاسی  
هستند که در مراحل اولیه رشد  
اعتصابات خود را نشان خواهند داد.  
بنا بر این باید در این مرحله از خیزش  
توده‌ها که فراموشد، شعارهای  
اشیائی که محتوای نظام آتور را خود  
ضمیم می‌آید و اکثریتیا گمونیستها  
را از اکثریتیا دور بگردانند متمايز  
می‌آید، بعنوان امری حیاتی در  
پیشبرد انقلاب، به شدت و با پشتکار  
تبلیغ وترویج گردد.

۵- لزوم رهبری پرولتاریا در  
قطعه‌بختیدن به انقلاب:  
برای به هر زرفتن مبارزات و اعتصابات  
کارگری وعدم تبعیت آن از منافع  
مهور ووازی و خرد مهور ووازی، لزوم  
رهبری پرولتاریا ضرورت می‌یابد.  
تجربه سال ۵۷ نشان داد که اگر چه  
اعتصابات در کنترل رهبری پرولتاریا -  
خرد مهور ووازی جنبش نبود و مطالبات  
مستقل کارگری، بهیچوجه، در مرحله  
تکاملی جنبش تود وها شکل گیری  
کرد مهور ووازی خواسته‌های آن رهبری  
در تضاد قرار داشت، لیکن از آنجا  
که این اعتصابات و مبارزات تحت  
رهبری سیاسی انقلابی نیروهای  
پرولتاری قرار داشت، سرنگونی  
رژیم شاهنشاهی، استقرار جمهوری

قسمت آخر مقاله "اعتصاب  
سیاسی" که در شماره ۱۵۹  
به چاپ رسید، متأسفانه  
تایپ‌های اشتباهات جدی و  
قلم‌مشکلی جا بجا شده و در هر  
شده که ملاحظه آنرا می‌کنید  
با خستگی است. از همین رو، ما  
پوزش فراوان در اینجا بخشی از  
قسمت آخر مقاله مذکور را که  
داشته‌هاست فوق‌الذکر بوده  
را به چاپ می‌رسانیم.

نحوه طرح شعارها و  
بایستی که از چارچوب نظم موجود  
شده مومعکس کنند بخشی از  
ای نظام آتی است، دارای -  
تی اساسی و بلا تردید در پیشبرد  
ب در راستای منافع تاریخی  
ان وزحمتکشان میباشد. ترویج  
شعارها که در حین مراحل از  
مبارزه و اعتصابات میتواند  
ان رکن مهمی از مطالبات توده‌ها  
باشد، امری ضروری است و طرح  
نمخواستها نظیر شور وواکی کنترل  
ی بعنوان شعارهای مستقل  
ری مبارزه کارگران را از حالت  
نفر شرایط موجود وتعد پیل  
مار که میتواند از طرف طبقات و  
رهبری پرولتاریا نیز عنوان شود،  
چ میگرداند. خط مشی مستقل  
ی را در اعتصابات به پیش برده و  
های کارگر را بعنوان یک طبقه با  
سیاسی - اجتماعی مشخص  
ن مشکل مینماید. بی شک ترویج  
نواسته‌ها همیشه در برنامه‌ریزی  
ی طبقه قرار دارد، اما زمان  
کردن آن، بعنوان یک مطالبه  
صاهاست را همیشه راند به مرحله  
آتی بستگی دارد. عنوان نمودن  
ی این مطالبات، تنها میتواند  
و کارگری را در بر بگیرد. حال آنکه  
نجا بحث درباره مطالبات در  
ایات عمومی سیاسی است و  
ان فقط به این بخش از کارگران  
کرد.

ن این امر امکانست از طرف عده ای  
فته شود که اینگونه مطالبات  
را، کنترل کارگری و... تنها  
کامی نوین تحت رهبری طبقه  
قابل تحقق است بعنوان کردن  
رحال حاضر که مبارزات در چهار  
وب سرمایه داری جریان دارد،  
وتوهم را است. البته این کاملاً  
ت است که کنترل کارگری ونظام پر  
زودر حکومتی تحت رهبری پرولتاریا  
اند اعمال شده و باید آرمانند. اما  
بهیچوجه وظیفه شناسائی محتوای  
نوین را در حین مبارزات وترویج  
قطاع آن را از زمین نمیرود و باوقتی



## توضیح و ... اعتصاب ...

بقیه از صفحه ۱۰۵

برنامه عمل خود را در این راستا تدوین میکند. و چون امکان کسب رهبری پرولتاریا وجود دارد برای آن تدارک می بیند.

در حین مبارزه و اعتصابات، با اتکا به تجربه قیام و بی از آن و تجاوی که در حین عمل کسب میکنند، باید ضرورت رهبری پرولتاریا را در انقلاب، بارها و بارها گوشزد کرد. باید روشن نمود که تنها تحت رهبری پرولتاریا، مطالبات و دستاوردهای حاصل از مبارزات و اعتصابات و قیام میتواند کامل و باید آید. چرا که شوهرها، کنترل کارگری، آزاد بهای حقوق و مکرراتیک بودها... تنها برنظمی نوین میتوانند قرار گیرند که فقط تحت رهبری پرولتاریا به سرانجام رسیدن آن امکان پذیر خواهد بود.

۶- نطفه بستن قیام در بطون اعتصابات بودهای: اعتصابات بودهای هر چند که قدرت باشند، تنها وقفهای در تولید و باز تولید ایجاد میکنند، سیستم افلج کرد مواز کار می اندازند، اما آنرا سرنگون نمیکند و نظام جدیدی را جایگزین آن نمیسازند. در اعتصابات بودهای سال ۶۷ مشاهده کردیم که اعتصابات عمومی سیاسی در اوج خود، در عین حال محدود و پشهای این شیوه مبارزاتی را عیان کرد و بن بست پیشروی بیشتر از این طریق نشان داد. اعتصابات عمومی در اوج مرحله مکتبی را می طلبید که بتدریج در رون اعتصابات، قیام را نطفه بسته بود. تجربه جهانی نیز موبد محدود بود. اعتصاب عمومی در قطعیت بخشیدن به انقلاب است.

اعتصابات عمومی در حین پیشروی نطفه های قیام را کشفی در بالکتیکسی اعتصابات است و به محدودیت آن خاتمه میدهد و در خود میپروراند. اعتصاب عمومی سیاسی رژیم بورژوازی را فلج میکند و قیام آنرا در هم کوبید و سرنگون میسازد. به تجربه روسیه با زنگریم: "از یک طرف جنبش با اعتصابات پراکنده شروع شد و به سرعت توسعه یافت، اعتصابات بودهای گردید، و از طرف دیگر تبدیل به تظاهرات خیابانی گشت. در سال ۱۹۰۵، اعتصاب سیاسی شکل گرفت و جنبش گردید و است و در مقابل چشمان ما به قیام توسعه

می باید. (لنین، اعتصاب سیاسی و جنگ خیابانی در مسکو). اما در عین حال اعتصاب عمومی سیاسی بعنوان پیش فرض بر قیام و زمینه ساز آن بحساب می آید. لنین در مورد اهمیت بی اندازه اعتصاب سیاسی عمومی برای قیام میگوید:

"اشارات و پیش بینی های ما در باره اهمیت بی اندازه اعتصاب سیاسی بودهای برای قیام مسلحانه بطرز حیرت انگیزی تأیید شده است. اعتصاب سیاسی سر تا سر روسیه اینبار واقعات تمام کشور را شامل شده است و تمام خلفهای سر تا سر امپراطوری ملعون روسیه را در قیام قهرمانانه یک طبقه که ستم دیده ترین و پیشرفته ترین طبقات است متحد گردانیده است" (لنین، اعتصاب سیاسی در سر تا سر روسیه).

بهر حال، تجارب جهانی و از جمله تجربه سال ۵۷ نشان داد که اتکا صرف به اعتصاب عمومی سیاسی در مرحله ای پایین به دست مواجه میشود، چرا که:

"توقف هر اندازه هم ابعادش گسترده باشد با جایگزینی یک نظام اجتماعی توسط نظام دیگر برآیند نیست" و قیام به ناچار در بطن اعتصابات بودهای رشد میکند. بنابراین اگر نخواهیم بد نبال جنبش خود بخودی به پیش برویم، اتکا صرف به اعتصاب عمومی سیاسی نمیتواند کار ساز باشد، نمیتوان صرفاً زکیمته های مخفیس اعتصاب سخن گفت اما از ضرورت هماهنگی عظیم آنها برای تحقیق اعتصاب عمومی سیاسی حرفی نزد و نمیتوان در همینجا نیز متوقف ماند. چرا که اگر قرار است اعتصاب عمومی سیاسی به قیام مسلحانه فراروید، ارگانهای رهبری کنند ه این قیام نیز می باستی تدارک دید و شوند. یعنی کمیته های مخفی اعتصاب میباستی کمنطفه های اعمال قهر انقلابی پرولتاریا را در خود بوجود آورند تا ظرفیت فراروسی آنها به ارگانهای رهبری قیام مسلحانه را فراهم آید.

برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دیمکراتیک خلق باید از تمام تجارب درس آموخت.

برقراری با اعتصاب عمومی سیاسی بعنوان پیش درآمدی به قیام مسلحانه

## قانون

بقیه از صفحه

افزایش تولید و حراج نفت، همراه چند و چندین برآوردن مالیات، تصویب قوانین و لوایح ضد کارگری مدافع نظم سرمایه، گامهایی است که هر گام آن سقوط و مرگ رژیم تصریح میکند.

سرمداران رژیم اکنون همچو غرق در گرداب میمانند که به هرت پارهای دست می یازد و واقعیت شدن در درهای گسترده را نمی بیند. آنان واقعیت مبارزات رو به رشد بودها را نمی بینند. نمی بینند که روزا قشار و سیمتری از خلق بصورت انقلاب می پیوندند. بهمین خاطر به زعم خود شرایط را برای اعلا پیش نویی ارتجاعی قانون ک مطلوب میدانند. آنان مسو سهمگین انقلاب را که بر می خیزد نمی بینند، برآمد طوفانی که حتی مزدوران رژیم را مجبور ساخت تا هشدار دهند که این پیش نویی قا اصلاح، تکمیل و اجرانیست.

تلاشی رژیم حتی است. فریب سرکوب نه راه نجاتش و نه راه خروج از بحران نخواهد بود بحران کنونی بحران انقلابی است و راه حل انقلابیست. انقلاب کارگران و تمام زحمتکشان به زور پرچم سرخ پرولتاریا

## کمکهای مالی دریافت شد

۵۰۰۰	م - لاله ۵۰۱
۱۰۰۰	انقلاب ۱۱۱
۸۷۰۰	جوانانزاده
۳۰۰۰	ک ۱۰۰
۵۰۰۰	انقلاب
۲۸۰۰	لنین - س
۸۰۰۰	بدون کد
۲۰۰۰	۳۲۲
۲۵۰۰	۱۴
۱۰۰۰	۵۵۵
۵۰۰۰	سلطانپور ۴۰۰
۱۰۰۰	الدوز
۱۰۰۰	انقلاب
۵۰۰۰	معلم
۱۵۰۰	آموزگار
۵۰۰	بدون کد
۲۰۰۰	ک ۲۰۲/۲
۵۰۰۰	۱۰۱ -
۳۰۰۰	س - پ ۱۷
۸۰۰۰	بدون کد
۲۰۰۰	بدون کد
۲۰۰۰	ن ۳۲
۵۰۰۰	م - ۱۷۳
۱۱۰۰	نوال
۲۵۰۰	نوال
۷۰۰	نوال
۱۰۰۰	ب ۱۶۹



بقیه از

صفحه ۱۸

### مجلس خبرگان و . . .

میگذارد: «پاربختن آرا» بصند وقتها  
و با سرکوب آنها و نشا نرفتن قلب  
توده ها با فشنگ آمریکائی: «امروز  
مردم متعهد گردیدند به اینکه  
دولت جمهوری اسلامی اینقدر قدرت  
داشت مناطقی را که این خائسان  
بودند بصاران کند اما نکرد . . . . .  
جمهوری اسلامی از شما ملت کسرد  
میخواهد . . . بیاید شما هم با  
بسیجیان در انتخابات همراه شوید.»

اما نه تبلیغات و نه سیاستهای  
سرکوبگرانه و نه حتی راهحلهای مختلف  
جناحهای دگر رژیم، انتخاب یک  
رهبر (منتظری) و یا تعیین شورای  
رهبری از طریق مجلس خبرگان، هیچ  
یک قادر نخواهد بود بنیست قدرت  
را حل نماید.

آنجا که زهنیت توده ها، وعده  
افزایش ارزاق عمومی، تغییر سیستم  
توزیع سیگار، افزایش بنزین و . . .  
را در پیوند تنگاتنگ با مجلس خبرگان  
و دگر رژیم ارزیابی میکند و بی  
اعتنا و با تصخربه آن مینگرد  
میباستی که توده ها نشان دادند تا  
مجلس خبرگان نشانه ثبات رژیم  
نیست بلکه بیانگر شدت اختلافات  
درونی آنها برای کسب قدرت است،  
که ریشه این درگیریها درونی هیئت  
حاکمه رانه این با آن سیاست بلکه  
تناقضات اجتماعی تشکیل میدهند و از  
این رو چشم انداز نه ثبات رژیم که  
تلاشی آن قرار دارد. گسترده هر  
چه بیشتر تبلیغات رژیم و فرونی دگر  
افزون اختلافها تنها آگاهی توده ها  
را نسبت به ماهیت رژیم افزایش  
خواهد داد و خشم آنها را آرام  
خواهد زد و آنگاه که این خشم و کین  
نه به فرمان پورزوازی که بفرمان تاریخ  
بحرکت درآید بنیان نظم کنونی را  
دگر خواهد گوید. اما با پستی  
که به توده ها گفت که طبرغم تضادهای  
درونی رژیم و بنیستی که با آن مواجهاند  
رژیم خود بخود نمی افتد و سرنگون  
نمیشود باید آرایه نیروی توده ها  
بر انداخت و باید که توده ها نقش  
تاریخی خویش را ایفا کنند که:  
انقلاب گسار توده ها است.

نیست. موسوی اردبیلی هم نوعی با  
این امر مخالفت میکند و میگوید که  
«در یک انقلاب و مبارزه رهبر یک  
نشان دادن نقش و شخصیت  
خویش مورد پذیرش قرار میگیرد و باید در  
شرایط دیگر احتیاج میشود که او را  
تعیین کرد. تعیینی که از سوی  
خبرگان است و با نظارت شورای  
نگهبان.»

دیدیم که جناح به اصطلاح «خط  
امام» (رفسنجانی و . . .) سعی  
در رطم کردن منتظری بعنوان جانشین  
خمسینی دارند و برای حصول این هدف  
تا آنجا پیش میروند که ضرورت تشکیل  
مجلس خبرگان را از پرسوآل میبرند.  
ولی شدیدا با اینگونه برخوردها  
مقابله میشود و حتی به مجلس خبرگان  
نقشی برتر از رهبر یا رهبران آینده داده  
میشود. قروه باغ در ۹/۱ در خصوص  
وظایف خبرگان میگوید: «اول تعیین  
و معرفی رهبر یا شورای رهبری، رهبر  
امام نظارت بر بقا، شرایط لازم در  
رهبر یا شورای رهبری و عهد وی کنی  
هم عینا همین را تدکر میدهند مجلس  
خبرگان، نقش آیند مصلحت را تعیین  
خواهد کرد و ناظر بر رهبر خواهد بود.  
(سخنرانی در نماز جمعه ۹/۵)

اگر این سخنان و موضع گیریهای -  
متناقض بیانگر دگر و اختلافات  
جناحهای حاکم برای کسب بالا ترین  
اهرم قدرت است در عین حال نشان  
از اتحاد این جناحها و توافقشان در  
نهی اراده مستقل توده ها و حاکمیت  
آنها را رد و تأیید ی سرکوب جنبش  
انقلابی برای حفظ نظام. در همین  
حال که سردمداران رژیم برای  
پیشبرد این سیاست خود باز میخواهند  
با فریب و تیرنگ پاتهد بد و اعراب  
توده ها را بسپای صند و ق بگشایند که  
نمایش آنها بدون تماشاچی و بدون  
مشوق نباشد. بهمین خاطر است  
که رفسنجانی و با مشکینی حتی توده ها  
را برای دادن رای منفی با امتناع  
تشویق به رای دادن میکنند.

در راستای همین تبلیغات سیاست  
فریب و تهدید است که نماینده شهر  
با یک در محل میگوید: «هر رائی که ملت  
مسلمان به صند و ق بریزد، فشنکی است  
که به قلب آمریکا فرو میرود و نماینده قروه  
در تکمیل سخنان او، دگر و امپیش پای  
توده ها و بخصوص مردم مبارز کرد

جناح مخالف نیز بکار نمیخیزند و  
رغمی سیاسی اطلاعات ۲ از ز به  
آیه بسختان رفسنجانی با صغ  
د هد و بر لزوم توجه به کیفیت انتخابات  
نشد میکند و میگوید که «تفس انتخابات  
صحتی ندارد بلکه مهم اینست که  
خبرگان بر حق برگزیده شوند تا  
و آنگاه صلاح امت را بیابند!»

پروشنی پیدا است که موضوع  
انتخاب رهبری خود به عاملی  
برای عیان تر شدن اختلافات  
جناحهای حکومتی بدل گشته است.  
جناحهای مختلف رژیم برای در هم  
شکستن بنیست قدرت هر یک بنوعی  
سعی میکنند تا اهرم رهبری را به  
دست خویش گیرند و بر دگر تحمیل  
نمایند و البته بعنوان ابزار دگر بنیست  
خویش جهت سرکوب توده ها هر  
وز که انتخابات خبرگان نزدیکتر میشود  
جناحهای مختلف در تأیید نمایندگان  
بصاحبه ها و سخنرانیهات ترتیب میدهند  
ائمه جمعه در رضا بر سخنرانیهای  
«جامع و مانع» ترتیب میدهند.  
طاهری امام جمعه اصفهان اعلام  
میکند: «همچنان که مردم در آیت  
الله العظمی امام خمینی ویزگیهای  
لازم برای رهبری را شناخته اند نسبت  
به حضرت آیت الله العظمی منتظری  
فقیه طالق قدر هم این ویزگیها را  
مردم تشخیص داده اند. و شاید  
همین صراحت کوبی طاهری سبب  
شد باشد تا مملکت با معلومی  
کاندید اتوری خود شن برای مجلس  
خبرگان توسط شورای نگهبان تأیید  
نشود. اگر چه او نیز بنا جار فرمان  
خمسینی را گردن نهاده و گفته بود:  
«در عین حال چاره ای نیست که ما  
مجلس خبرگان هم داشته باشیم.»  
(اطلاعات ۸/۳)

رفسنجانی هم با طاهری همصدا  
میشود، حجب و حیای اولیه را کنار  
میگذارد، بخود جرات میدهد و روی  
حرف خمینی، حرف میزند: «اگر  
فرض بر این باشد که اکثریت مردم به  
حضرت آیت الله العظمی منتظری  
اتفاق دارند و دگر خبرگان کاری  
ندارد. . . اگر کسی را توده مردم -  
پذیرفت حتی خبرگان هم نمیتوانند  
در خالت کنند.» (کیهان ۹/۲)

التبه منظور از «توده مردم» -  
چیزی بجز همان «امت حزب الله»  
نیست. اما بهر حال نه این سخنان  
و نه بیستن القابی چون «آیت الله  
العظمی» به منتظری چاره ساز

## نیرو زیاد مبارزات ضد امپریالیستی و مگراتیک خلقهای ایران



و محروم نکردن مردم از انتخاب رهبری  
جلوه دهد :  
۳ امام بقانون اساسی و قوانین هادی  
مملکت فوق العاد ما احترام میکند آرند  
و اطاعت از قانون را واجب میدانند  
الگیته منطقی هم همین است . یعنی  
امام صلحان اینست که مردم را از -  
انتخاب رهبری محروم نکنند . یعنی  
طوری باشد که مردم در انتخاب  
رهبری شریک باشند . ( کیهان  
۹/۲ )

اما خود رفسنجانی در باره مجلس  
خبرگان چه فکر میکند . او اساساً با این  
مجلس در شرایط کنونی موافق نیست  
و سعی میکند تا بطرق مختلف موضع  
خود را جابجاند از . او میگوید : ممکن  
است در این مرحله ضرورتی برای کار  
مجلس خبرگان نداشته باشیم ، چون  
قانون بصراحت میگوید که اگر کسی از  
مراجع مثل امام از طرف خود مردم به  
رهبری شناخته شد ، خود بخود ره  
است و احتیاج به خبرگان ندارد .  
آنها رهبری را تعیین کنند . ( کیهان  
۸/۲۷ )

اما ، خمینی صلاح را در این نمی بیند  
و نسبت به چنین نفعهای مخالف  
تشکیل مجلس خبرگان بصراحت پاسخ  
میدهد : « الان يك دسته از قراری كه  
شنیدم در راه افتاد هاند كه این مجلس  
خبرگان نباید باشد . . . مجلس  
خبرگان تكلیف است برای همه . . .  
( اطلاعات ۸/۲ )

جناح به اصطلاح "خط امام" كه  
حاضر نیست بوضوح اختلاف نظرش  
در این مورد با امام آشکار شود از  
در د پیری وارد میشود و سعی میکند تا  
ضمن تأیید اجباری ضرورت خبرگان ،  
تساهلت انتخابات را نشان داد  
" حضور مردم در صحنه " قلمداد کند و  
پس . در این رابطه رفسنجانی در نماز  
جمعه میگوید : روزی كه اعلان رای  
گردند ، هر پدید توی خیابانها و در -  
مساجد رای تان را حالا هر چه هست  
صنفي ، مثبت ، مستم ، هر چه كه باشد  
هریزید توی صند و قها خود رقم رای  
امروز مثل رقم صربازهای رزمند در -  
حبشه است . . . بهمین دلیل امام  
فرمودند كه تكلیف است . ( اطلاعات  
۸/۲۹ ) بقیه در صفحه ۱۷

توضیح و پوزش درباره مقاله  
اعتصاب عمومی سیاسی  
در صفحه ۱۰

### مجلس خبرگان و . . .

( کیهان ۹/۲ ) ( تاکید از ماست )

اما این خطر مهم چیست ؟ همانطور  
كه گفتیم هر دو جناح درون هیئت  
حاكیه از آن و اهمیت آرند كه با سرگ  
خمینی تركیز ستیگا محكومتی در چار  
از هم كسیختگی گردد . پایه های  
ست رژیم ، مست تر شود و آن  
چنان ابعاد تضاد ها بر سر چریگان  
تعمین دستگا رهبری شدت گیرد كه  
در سرگوب تود ه ها و در راه تثبیت -  
نظام سرمایه داری و بسته ، صوانه  
همچنان با برجای بماند . آنها با رها  
و بارها برآمد جنبش خود های را نگاه  
كه شكاف در دستگا محكومتی بوجود  
آمده ، تجربه گرد هاند . از همین رو  
قصد گرد هاند از بروز این شكافهای  
" خطرناك " جلوگیری و بزعم خود ،  
رژیم را از صیل بنیان كن انقلاب برهانند  
اما این تلاشهای مذ بو حانه رژیم نهی  
رهجائی نخواهد برد و او را از بس  
بست قدرت رهائی نخواهد بخشید .  
در این میان واكنش خمینی نسبت به  
امر تعمین جانشین خویش جالب توجه  
است . ما در كار ۱۶ و ۱۷ ( در مقاله  
" بن بست قدرت ) گفتیم : خمینی  
خود بیان مجسم بن بست قدرت -  
هیئت حاكیه و تضاد های اجتماعى  
است . هر گاه بخواید در جهت  
حل بحران بردارد ( اعلام فتوای  
صریح ) الزاماً ضربه تناقضات تازه  
و تشدید تضاد های موجود خواهد  
شد و شكاف موجود هیئت حاكیه را  
عمیقتر کرده بنیان نظام موجود را  
بخطر خواهد انداخت . هر سخن  
صریح خمینی تضاد در د و جناح  
حاكیه را كه هنوز ركنار هم حرکت  
میکند همچنان مرحله ای از حدت خود  
خواهد رسانید كه هیئت حاكیه را از  
هم خواهد پاشید . پس انتخاب -  
چار ساز نیست . . . بهمین رو  
خمینی علیرغم تمامی اختیاراتی كه  
در ارمی باشد ، از دادن نظر شخصی  
خود در آری منطاید ، جانشین تعمین  
نمیکند و تنها شركت در انتخابات  
با يك تكلیف شرعى قید میکند و از  
آنجا كه در پیروگردانی مردم از رژیم  
رانستواند انكار كند ، ملتصانه از  
مردم میخواهد كه در انتخابات  
مجلس خبرگان شركت كنند و نشان  
دهند كه از اسلام رو بگردان نیستند .

البته جناب رفسنجانی سعی کرد تا  
براین بن بست برد مساتر كشد و سكوت  
خمینی را پدید لیل احترام او بقانون اساسی

شد و جناحهای مختلف  
رژیم را در مقابل جنبش توده ای به  
مراتب نیرومند تری قرار خواهد داد ،  
آنهم در شر ایطی كه شدت و دامنه  
تضاد های درونی رژیم بیش از پیش  
غیر قابل كنترل و تنظیم خواهد بود .  
البته از مدتها پیش در جناح مخالف  
رژیم به ضرورت تعمین جانشین یا  
جانشینانی برای خمینی پی بردند ،  
لیكن این امر تا امروزه علل مختلف به  
تمویق افتاد بود .

بكي از علل به تمویق افتادن تشكيل  
مجلس خبرگان در طی يكسال ونهیم  
، حیرت انگیز آن بد ركردن هر کسی  
مدعیان احتمالی قدرت پس از سرگ  
خمینی میتوان در كرد . مثلاً با علم  
معدین ماجرای كود تاي قطب زاده و  
میروند او به سر به متمد آری ، هرگونه  
امكان مانور از سر به متمد آری سلب شد .  
" ققیای " دیگر از جمله گمبایگانی و قعی  
نیز كه بهم ایجاد اختلال توسط  
انها در امر انتخاب ولی فقیه صرفت  
نیز به كمك انواع و اقسام شیوه ها به  
كوشه نشینی محكوم شدند و تا چار به  
در م فرو بستن . بعد بنترتیب در بهره  
میدان خبرگان آنچنان شدت شد كه  
تنها سردمداران كنونی را در بر سر  
مگرفت . علت دیگر تا خبر در تشكيل  
مجلس خبرگان تضاد جناحهای رژیم  
با يكدیگر بود هاست و اینکه هر يك به  
شكلی خاص بهره اشتی متفاوت به این  
مسئله می نگریده اند . اختلافاتی  
كه در چند هفته اخیر بوضوح آشكار  
شد . رفسنجانی بصراحت وجود چنین  
اختلافاتی را بعنوان علت انجام -  
انتخابات خبرگان در هنگام حضور  
خمینی ( و نه پس از مرگ او ) مطرح  
میسازد تا بقول او از بروز خطر مهم  
جلوگیری شود :

در غیاب رهبر انتخابات مجلس  
خبرگان بسیار كار مشكلی است . یعنی  
اگر امام حضور نداشته باشند و ما  
بخواهیم انتخابات كنیم ، اختلافاتی  
كه ممكن است بین روحانیت پیش  
بیاید ، این اختلافات خطر دارد .  
والان اگر رهبر هستند ، ما از -  
اختلافات جزئی نمیترسیم و خطر  
مهمی ندارد و مسئله مهمی كه هست  
اینست كه اگر در زمان رهبر ، خبرگان  
تعمین شوند و مورد تأیید ایشان قرار  
گرفتند این خودش برای مجلس  
خبرگان اعتبار بیشتری است .